

اعلامیه حزب کمونیست در باره دستمزدهای ۱۴۰۳

## ضرورت سازماندهی جنبش واقعی افزایش دستمزدها برای دستمزد و حقوق پایه مکفی

### تکرار صحنه دیگر از استیصال و درماندگی رژیم!

ملکه عزتی

صفحه ۵

### سازماندهی جنبش سراسری افزایش دستمزدها

سیاوش دانشور

صفحه ۶

### غذا همراه بمب فرو می ریزد! کمدی - تراژدی هالیوودی آمریکا

آذر ماجدی

صفحه ۹

### کارگر کفاشی "گلهای رنج" را بیاد بسپاریم! در گرامیداشت سوسیالیست انقلابی صادق فولادی و ندا

پروین کابلی

صفحه ۱۰

بازنشر، بیانیه حزب کمونیست کارگری - کمونیست

### در گرامیداشت یکصد و پنجاهمین سالروز کمون پاریس

درسهای کمون برای مبارزه کمونیستی امروز

صفحه ۱۱

### نگاهی به رویدادهای روز جهانی زن در سال ۱۴۰۲

هلاله طاهری

صفحه ۱۴

اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

گزارش بخشی از برگزاری تجمعات

ومراسمهای تشکیلات خارج کشور به

مناسبت روز جهانی زن

صفحه ۲

# مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - کمونیست  
Worker Communist Party of Iran  
Hekmatist

۱۲۵ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۵ مارس ۲۰۲۴

### سیاست "جنگ - مذاکره"

### نابودی مردم فلسطین ادامه دارد

کشتار و قتل عام مردم فلسطین پس از ماهها جنگ هنوز ادامه دارد. در پس سیاست "جنگ-مذاکره" و ممایشات غرب با دولت نژاد پرست اسرائیل و سکوت کشورهای عربی مردم ستمدیده فلسطین در غزه رادر معرض نابودی قرار داده است. طبق برآورد سازمان ملل بیش از ۵۰۰ هزار نفر در شمال غزه یعنی یک چهارم جمعیت آن در قحطی و گرسنگی بسر می برند و دارند تلف می شوند. بخشی از مردم که ناچارا به ویرانه های شمال غزه بر گشته اند در محاصره قحطی و گرسنگی قرار دارند. بر مینای گزارش سازمان ملل نهاد های امداد رسانی بعد از ماهها تلاش نتوانسته اند به آنها دسترسی پیدا کنند.

کمک های "بشردوستانه" امریکا و اتحادیه اروپا حامیان دولت نژاد پرست اسرائیل در این نسل کشی گوش دنیا را کر کرده است. ارتش اسرائیل اعلام کرده که پیش از حمله، مردم غزه در دوزخ رفح را به مناطق دیگر که آن را "جزیره بشردوستانه" توصیف کرده اند منتقل می کنند.

تحت فشار اعتراض جهانی مردم آزادیخواه به جنایات و نسل کشی دولت اسرائیل در غزه، دولت امریکا از طریق هوا و اتحادیه اروپا از طریق قبرس و از راه دریایی به رساندن بسته ها ی کمکی به مردم شمال غزه وادار

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!



مبادله اسرا هر روز توافق برای آتش بس با مانع روبرو می شود. دولت امریکا به بهانه های مختلف جنایات دولت اسرائیل را توجیه و مانع پایان جنگ و دولت اسرائیل در ادامه سیاست جنگ طلبانه علیه مردم فلسطین تن به آتش بس نمی دهد.

راه پایان دادن به جنگ در غزه، پایان دادن به رنج و مشقت مردم ستمدیده فلسطین، گسترش اعتراض مردم آزادیخواه جهان به دولت جنایتکار اسرائیل، امریکا و غرب، دست کشیدن دول غربی از حمایت از دولت نژاد پرست و اشغالگراسرائیل و حمایت بی چون و چرا از مردم ستمدیده فلسطین است. جریان تروریستی حماس ابزاردولتهای مرتجع منطقه بخصوص جمهوری اسلامی برای تشدید بحران و کشمکش و تفرقه میان مردم فلسطین و تشدید بحران مردم فلسطین است.

#### سردبیر



## سیاست "جنگ - مذاکره"

### نابودی مردم فلسطین ادامه دارد

شده اند. اما این کمک های "بشر دوستانه" به هیچ وجه دوگانگی دول غربی در برخورد به جنگ در غزه و حمایت و دست داشتن امریکا و دول غربی در این نسل کشی را توجیه نمی کند. دو هفته قبل بیشتر از صد نفر از مردم شمال غزه هنگامی که برای گرفتن آذوقه به کامیون حامل کمکهای غذایی نزدیک شدند با شلیک مستقیم سربازان اسرائیلی به قتل رسیدند.

جنایات دولت اسرائیل در غزه صدای اعتراض متحدین خود را نیز درآورد. بروکسل مرکز اتحادیه اروپا گفته گرسنگی به عنوان سلاح جنگی در قلمرو این جنگ استفاده می شود. جو ریف بول مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفته است که مسیرهای زمینی عمدا برای جلوگیری از ارسال کمک بسته شده است. و سازمان ملل می گوید نبردهای مداوم و بمباران دولت اسرائیل و ناامنی و بسته شدن مکرر مرزها و محدودیت های دسترسی توسط دولت اسرائیل، مانع از عملیات امداد رسانی شده است.

این سخنان که از زبان بخشی از قدرت های جهانی حامی تاکنونی دولت اسرائیل و سازمان ملل جاری می شود تنها نشانه اوضاع فلاکتبار مردم غزه و ادامه جنایات دولت و ارتش اسرائیل علاوه بر اعتراض جهانی به این نسل کشی است. حلقان رسانه ای در غرب به نفع دولت اسرائیل، مانع آن شده که صدای اعتراض مردم آزادیخواه در غرب علیه جنایات اسرائیل تماما منعکس شود و این فضای اختناق آمیز دست دولت اسرائیل را برای ادامه جنایت باز گذاشته است.

حمله ۱۷ اکتبر جریان تروریستی حماس به اسرائیل بهانه ای برای دولت نژاد پرست اسرائیل به دست داد که به بهانه نابودی حماس، ادامه سیاست اشغال سایر مناطق فلسطین که سالها خواب آن را می دیدند عملی و به مرحله اجرا در آوردند. سیاستی که هر نوع تلاش برای حل مسئله فلسطین را اکنون به بن بست رسانده است.

دولت اسرائیل در دوره جنگ در کنار کشتار مردم فلسطین بی شرمانه در مقابل چشم جهانیان به سیاست اشغال و ساختمان سازی در مناطق اشغالی، کوچ فلسطینیان و ایجاد شهرکهای یهودی نشین ادامه می دهد. طی ماهها جنگ و اشغال حماس نابود نشد، اما دومیلیون از مردم غزه آماج حملات زمینی و هوایی ارتش نژاد پرست اسرائیل قرار گرفتند، کشته و آواره شدند و در معرض نابودی قرار گرفته اند.

آتش بس فوری و پایان جنگ و باز گشت مردم آواره فلسطین به سرزمینهای اشغالی خواست مردم آزادیخواه و متمدن جهان است. دولت اسرائیل قسط ادامه سیاست اشغال و با حمله به شهر رفح مشقات و درد و رنج مردم فلسطین را چند برابر می کند. سیاست جنگی دولت اسرائیل پایان جنگ را در کوتاه مدت کور کرده است. بعد از ماهها مذاکره برای آتش بس موقت و

## اعلامیه حزب حکمیتست در باره دستمزدهای ۱۴۰۳ ضرورت سازماندهی جنبش واقعی افزایش دستمزدها

### برای دستمزد و حقوق پایه مکفی

مصوبات این نهاد را برسمیت نمی‌شناسند. ثانیاً، مرجع تعیین دستمزدها تنها در صلاحیت نمایندگان واقعی و منتخب مجامع عمومی کارگران است. ثالثاً، برای درهم شکستن سیاست تشدید فقر دولت و کارفرمایان، ضروری است جنبش واقعی برای افزایش دستمزدها سازماندهی شود که خواهان دستمزد و حقوق مکفی برای کارگران و کارکنان دولت و بازنشستگان و همه افراد آماده به کار است.

#### “دستمزد و حقوق پایه مکفی” شعار طبقه کارگر

از آنجا که کارگران ایران بدلیل سرکوب سیاسی فاقد سازمانهای توده‌ای مستقل از دولت هستند و اساساً در روند تعیین دستمزدها نقشی ندارند، همینطور بیشتر کارگران از شمول همان قانون ضد کارگری کار بیرون گذاشته شده‌اند و اصلاحیه‌های جدید قانون کار بخش بیشتری از کارگران را محروم‌تر میکند، نظر به اینکه بخش مهمی از جامعه در فقر و نداری دست و پا میزند و هیچ ارگانی مسئولیت این وضعیت را بعهده نمی‌گیرد؛ سیاست طبقه کارگر برافراشتن پرچم دستمزد و حقوق پایه مکفی برای کل طبقه کارگر اعم از شاغل و بازنشسته و افراد آماده به کار است. سیاست طبقه کارگر، نظر به محدودیت‌های جدی شمول حداقل دستمزد و رفع مسئولیت دولت از تامین معیشت دهها میلیون مردم فقر زده، پاسخی به این سوال کلیدی جامعه و یک قلمرو اساسی نبرد طبقاتی است.

از نظر عملی، دخالت طبقه کارگر در روند تعیین دستمزدها، تنها با عمل مستقیم کارگری در صنایع بزرگ و متوسط ممکن است. سازماندهی یک جنبش مجمع عمومی حول افزایش دستمزدها و تعیین دستمزد و حقوق پایه مکفی، میتواند محدودیتهای کنونی را دور بزند و طبقه کارگر را با پرچمی فراگیر بیش از پیش جلوی صفوف مبارزه آزادیخواهانه و انقلابی برای آزادی و برابری و رفاه قرار دهد. این اقدام میتواند توسط شبکه‌ها و محافل کارگری در هر رشته‌ای بصورت سراسری صورت گیرد، برای مذاکرات اعلام آمادگی و با یک اعتصاب اختطاری بصورت واقعی شروع شود. سیاست تومار نویسی در سال گذشته مکرراً نشان داد که هر حرکتی بدون پشتوانه مادی و تحرک مبارزاتی و اعتصابی جواب نمی‌گیرد. کارگران صنایع مهم میتوانند با این سیاست پرچمدار خواست تامین هزینه‌های زندگی و رفاه همگانی شوند. کارگران میتوانند در صورت مقاومت دولت و کارفرمایان وارد اعتصابات زنجیره‌ای برای اعمال فشار شوند و تصمیم تاکتونی دولت و کارفرمایان را پس بزنند.

باید تاکید کرد که محاسبه حداقل دستمزدها براساس “میزان نرخ تورم” و یا با شاخص گخط فقر” سیاست ما و کارگران کمونست نیست. ما مخالف شدید نظامی هستیم که هر روز صدها میلیون دلار هزینه اختلاس و تروریسمش است اما برای طبقه کارگر و مردم محروم “سبد خانواده کارگری” تعیین میکند. سبیدی که امسال اقلام دارای کالری آن نیز کاهش یافته و عملاً خانواده کارگری را بیش از پیش دچار

رسانه‌های رژیم در باره سقف حداقل حقوق و دستمزد سال ۱۴۰۳ اعلام کردند که “با موافقت دولت با افزایش ۲۰٪ در سال جدید، حقوق و دستمزد سال ۱۴۰۳ برای هر کارگر مشمول قانون کار به ۱۲ میلیون و ۶۷۰ هزار تومان و حداقل حقوق برای کارکنان دولتی به ۱۰ میلیون تومان رسید”. براساس اظهارات سازمان برنامه و بودجه، این ارقام “تا پیش از تصویب نهایی مصوبه شورای عالی کار قابل استناد نبوده و دستگاه‌های اجرایی موظف هستند به صورت علی‌الحساب به آخرین حکم کارگزینی سال ۱۴۰۲، ضریب ۲۰٪ را اعمال نمایند”. نرخ افزایش حقوق بازنشستگان هنوز اعلام نشده است. نظر به جدول ضریب مالیات بر درآمد، حداقل دستمزد یک کارگر در سال ۱۴۰۳ بیشتر از ۸ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان خواهد بود.

معمولاً هر دو سال یکبار مسئله دستمزدها تحت الشعاع مضحکه انتخاباتی قرار میگیرد و آنجا هم که چنین بهانه‌ای وجود ندارد، “نهاد کارفرمایی-دولتی” موسوم به “شورای عالی کار”، حداقل دستمزد کارگران و حقوق کارکنان دولتی و خصوصی را بر اساس نرخ تورم جعلی اعلام شده بانک مرکزی باضافه محاسبه “سبد خانوار کارگریگ، تحمیل میکند. همین هم بدرستی اجرا نمیشود و کارفرمایان در سال گذشته با استناد به دو لایحه “دستمزد توافقی” و “دستمزد منطقه‌ای”؛ اولاً دستمزد کمتری از مصوبه دولت به کارگر دادند و ثانیاً این مصوبه مشمول بخش مهمی از کارگران که زیر پوشش قانون کار نیستند، نمی‌شود. این در حالی است که خوشبینانه‌ترین ارزیابی‌ها از ۲۸ الی ۳۲ میلیون تومان بعنوان هزینه خانواده کارگری در شهرهای کوچک و بزرگ سخن میگویند.

سیاست دولت بعنوان بزرگترین سرمایه‌دار و کارفرمایان، ارزان سازی مستمر نیروی کار و افزایش سود سرمایه است. دستمزد فعلی و شیوه “افزایش” آن کماکان دستمزدها را دستکم سه بار زیر خط فقر رسمی نگاه میدارد. سیاست تشدید فقر و فلاکت اقتصادی، هدفی جز بازتولید ارزانتر نیروی کار ندارد و قدرت خرید واقعی کارگران با گرانی بیوقفه، شوک‌های اقتصادی پلکانی و تبعات شناور کردن نرخ دلار مرتباً سقوط میکند. سرکوب رهبران کارگری، ممنوعیت تشکل و تحزب کارگری و گسترش استبداد در کل جامعه، سنگ بنای سیاست تهاجم مستمر بورژوازی اسلامی به سفره خالی کارگران است.

برای تقابل با این روند و اتخاذ سیاستی متناسب با اوضاع ملت‌هت کونوی جامعه، ضروری است با این مفروضات شروع کنیم که: اولاً، نهاد دولتی-کارفرمایی “شورای عالی کار” صلاحیت تعیین دستمزدها را ندارد و کارگران

## اعلامیه حزب حکمتیست در باره دستمزدهای ۱۴۰۳...

نمایندگان کارگران تعیین میشود، دریافت کند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست بخشهای مختلف طبقه کارگر را به اعتراض و اعتصاب به مصوبه دولت و برای برافراشتن خواست دستمزد و حقوق پایه مکفی فرامیخواند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۳ مارس ۲۰۲۴

گرسنگی و سوءتغذیه میکند. کشمکش واقعی در ایران برسر نفی این آپارتاید طبقاتی و فلاکتی است که توسط طبقه حاکم به دهها میلیون کارگر و خانواده‌هایشان تحمیل شده است. نقطه عزیمت ما حق بی چون و چرای کل اردوی کار و زحمتکشان برای برخورداری از یک زندگی مرفه و انسانی است. خط مشی ما بمیدان آوردن بخشهای مختلف محرومان زیر پرچم طبقه کارگر علیه فقر و فلاکت و درهم شکستن سیاست بورژوازی است.

دستمزد پایه کارگران باید همه بخشهای طبقه کارگر اعم از شاغل و بیکار و بازنشسته و کارگران مهاجر، تولیدی و خدماتی، بدون هیچ استثنائی شامل شود. این دستمزد پایه، اولاً باید جوابگوی تامین هزینه ها و لوازم درخور زندگی انسان امروز باشد و ثانیاً همین میزان بعنوان حقوق پایه مکفی به همه افراد تعلق گیرد. هیچ شاغل یا آماده بکار یا شهروندی نباید از حداقل حقوق پایه که بالاتر از خط فقر است و میزان آن توسط مجمع عمومی

## تکرار صحنه دیگر...



که نیازی نمی بیند در مبارزه برای دستیابی به یک زندگی شایسته و انسانی به شیوه هایی متوسل شود که تحقیر و توهین غیر مستقیم به خود را به همراه دارد. این نسل قصد ندارد و نباید از شیوه های زن ستیزان حکومتی برای اثبات خود خواست برابری و آزادی استفاده کند. سلیطه و بیشرم حکومت و سیستمی است که بیش از چهار سال است زن ستیزانه ترین سیاستها را در جامعه جاری کرده. برای مبارزه با این ضد فرهنگ باید در جاری کردن یک فرهنگ مدرن و انسانی تلاش و مبارزه کرد.

ملکه عزتی ۱۴ مارس ۲۰۲۴

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

## راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.



صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲

پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰

رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹

ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

www.hekmatist.org

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!



خود را به کمک گرفت تا وانمود کند حجاب بخشی از فرهنگ و انتخاب زنان در "ام القرای" اسلام است امروز در مقابل فراری دادن یک آخوند مزاحم در پی اعتراض کوبنده یک زن به شکستن حریم شخصی خود، بدنبال این است ناشر فیلم را بازداشت کند! فقط یک لحظه تصور کنید آن فریادها از سر

قدرت زنی است بر سر آخوندی که سالها در تبلیغات مسموم و زن ستیزانه، زن را ضعیفه، قابل ترحم و ناقص العقل دانسته آنگاه متوجه میشویم این مصاف چه هزینه ای برای جمهوری اسلامی و ارگانهای قدرت دارد؟

اما صحنه تقابل زنان با حکومت و قوانین ضد زن تنها در درمانگاه قم نیست. در خیابان، خانه و محل کار هر روزه شاهد این تقابل و رودرویی هستیم. این روزها دیگر ماشینهای ون پلیس و گشت ارشاد نیست که موجب وحشت عابرین میشود امروز ورق برگشته. اینبار نوبت عوامل سرکوبگر این حکومت است که از حضور علنی زنانی که حجاب را به آتش کشیده اند و آزادانه در صحن جامعه در رفت و آمد هستند به وحشت بیفتند. صحنه درمانگاه قم نشان شکست پر هزینه حجاب، شکست سالها تحقیر و خشونت سیستماتیک علیه زنان و نهایتا شکست حکومتی است که در طول چهار دهه سیاست زن ستیزی و سرکوب را در همه عرصه ها اعمال کرده. فرار آخوند مزاحم و محل آسایش و فریادهای بیوقفه زنی که از حریم شخصی خود و کودکش دفاع میکنند برش کوچکی از سیمای سیاسی و موقعیت فلاکت بار جمهوری اسلامی در مقابل مردم معترض، زنان و جوانانی است که یکسال پیش فریاد مرگ بر خامنه ای، مرگ بر جمهوری اسلامی را در خیابانها سر دادند.

عرصه مبارزه و مقاومت زنان امروز به یکی چالش های عمده حکومت تبدیل شده. به هر ترفندی که متوسل میشوند نتیجه دلخواه و مدنظر را نمیگیرند. زنانی که چهار دهه در زیر فشار سننهای پوسیده فرهنگی و خشونت تعبیه شده در قانون و مناسبات مردسالارانه دوام آوردند و تن به تسلیم و شکست ندادند امروز تصمیم ندارند زمین مبارزه را به نفع زن ستیزی و آپارتاید جنسی خالی کنند و بازنده این مصاف سرنوشت ساز باشند. فریادهای زن شجاع درمانگاه قم از گلوی میلیونها زن در سراسر ایران بیرون میاید و گورکن این سیستم ضد زن خواهد شد. بعد از اتفاق درمانگاه قم تعدادی با لفظ "سلیطه" زن معترض را مورد حمله قرار دادند و بدنبال، تعداد دیگری در فضای مجازی اعلام کردند من هم "سلیطه" هستم از او دفاع کردند. مبارزه مردان و زنان آزادخواه برای یک برابری سوسیالیستی در همه عرصه ها نه امتیازی به فرهنگ مردسالارانه مرسوم در جامعه میدهد نه برای باورها و افکار منسوخ مذهبی ارزشی قابل است و نه در مبارزه علیه زن ستیزی از خواستههای ماگزیمالیست خود کوتاه میاید. امروز نسلی در این مبارزه حضور دارد و قد علم کرده

صفحه ۴

## تکرار صحنه دیگر از استیصال و درماندگی

### رژیم!

### ملکه عزتی

صحنه درمانگاه خیریه قم و تعرض آخوند مفتخوری که با تلفن همراه از زنی در حال شیر دادن به کودکش فیلم میگیرد، تکرار و نشان استیصال و درماندگی رژیم و حاکمیتی است که در مصاف با زنان بازنده بیشتر عرصه ها بوده .

ایجاد وحشت و نمایش "اقتدار" پوشالی حکومت در رابطه با حفظ حجاب و کنترل بر زندگی و نحوه پوشش زنان، توصیف این صحنه و نقش این آخوند مفتخور است. این حرکات چندش آور اما، دیگر نه کسی را مرعوب میکند و نه خود حکومت امیدی به تاثیر این ابزار وجودهای از سر ناچاری دارد. همانطور که در فیلم هم مبینیم فراری این صحنه، آخوند بیشر می است که ایجاد مزاحمت کرده و قهرمان آن، زنی که فریاد میزند پاکش کن! فیلم رو پاکش کن .

تغییر صحنه از زمانی که این حکومت ضد زن به قدرت رسید تا به امروز شگفت انگیز است. امروز عوامل حکومتی که مدعی بودند حجاب انتخاب زنان است برای حفظ حجاب قانون تصویب میکنند و در کمال استیصال و دستپاچی به جریمه و مسدود کردن حساب بانکی زنان متوسل میشوند. درماندگی مجلس و دولت و قوه قضایی در رابطه با حجاب زنان کاملا مشهود است. یکی میگوید نصیحت کنید، یکی حجاب را یک اصل قانونی میدانند و سرپیچی از قانون را با مجازات باید جواب داد و آن یکی هم اصرار دارد بگوید مسبب این وضعیت دشمنان دین و اسلام هستند. اما در این میان برای بخش بزرگی از حاکمیت تقریبا محرز شده که "ستون های اسلام" در حال فروپاشی است و سنگرها یکی بعد از دیگری توسط زنان و مردان معترض فتح میشوند. سنگر حجاب را دیگر با چوب و تیغ و چاقو نمیتوانند پس بگیرند، به قانون و مصوبه متوسل شدن هم تا بحال جواب مطلوب را نگرفته .

فروپاشی این سنگرها را در درمانگاه قم به عیان ترین شکل میتوان دید. زن شجاعی که علیرغم اینکه کودکی را در بغل دارد بجای مظلوم نمایی و التماس و توبه از گناه ناکرده با آخوند مزاحم درگیر میشود و بر سرش فریاد میکشد. این صحنه یادآور صحنه های عمامه پرانی خیزش شهریور ۱۴۰۱ است. این صحنه نشان میدهد جمهوری اسلامی و سران جانی این حکومت با چه کابوسی روبرو هستند. کابوس حضور زنان در میدان مبارزه ای رودرو با مظاهر قدرت و سرکوب رژیم بدون وحشت از سرکوب و جریمه و اخراج از کار .

مضحک ترین عکس العمل ارگانهای مخوف این حکومت، دادگاه و دادستانی قم در قبال این اتفاق تا امروز این است که بدنبال بازداشت عوامل انتشار فیلم درمانگاه هستند! حکومت "مقتدری" که تمام دستگاه تحمیق و تبلیغ

## شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



افزایش ماجرا را فیصله دهند. البته تاکید کردند که نهائی شدن آن در گرو مصوبه "شورای عالی کار" است، گویا این "شورا" در مریخ است و دولت هیچ نقشی در آن ندارد!

#### اقدامات تاکنونی

کارگران هیچوقت دستمزد تعیین شده را قبول نداشتند و کشمکش برسر افزایش دستمزدها را اساساً بدلیل فقدان سازمانهای برسمیت شناخته و سراسری کارگری به تقابل رشته ای و فابریکی موقوف کردند. هرچا زورشان رسیده موئی از خرس کردند و هرچا نتوانستند در فقر بیشتر و بی امکاناتی سوختند و ساختند. در این سالها تلاشهایی از جمله جمع آوری امضا و تومارنویسی و اعتراض از کانالهای باصلاح قانونی کم نبوده و البته هیچکدامشان باندازه یک وعده غذا به کارگر خیری نرسانده و تاثیری نداشته است. در سال گذشته دستکم ده طومار علیه دستمزدها داشتیم که بجز تومار کارگران هفت تپه که با درجه ای از اعتراض و تجمع همراه بود، مابقی عمدتاً به سیاست عجز و لابه و توهم پراکنی به کرویدورهای مجلس و دولت متکی بود. این سیاست امروز تماماً بی معنی شده است. میتوان تومار را در کنار ده اقدام و عمل اعتصابی و اعتراضی بعنوان یک قلم کار تبلیغی داشت اما بعنوان روش کار و سیاست تنها کارگر را دنبال نخود سیاه فرستادن است. اگر یک میلیون امضا هم جمع شود، چنانچه نیروی واقعی و پشتوانه مادی برای اعتراض و زدن شیپور اعتصاب نداشته باشد، دولت و کارفرمایان حتی نگاه تان هم نمیکند.

#### سازماندهی جنبش واقعی افزایش دستمزدها

سیاستی میتواند موفق و موثر باشد که اولاً، با شرایط و نض سیاسی جامعه خوانائی داشته باشد. ثانیاً، منافع بزرگتر اجتماعی را نمایندگی کند. ثالثاً، تجارب تاکنونی را در خود ملحوظ کرده باشد. نکات زیر بعنوان پیش فرض بحث افزایش دستمزدها فی الحال روشن اند:

- ۱- کارگران نهاد کارفرمایی - دولتی "شورایعالی کار" و مصوبات آن را نمی پذیرند.
- ۲- کارگران هیچوقت نهادهای دولتی و پلیسی مانند شوراهای اسلامی، خانه کارگر و انجمن های صنفی را بعنوان "تشکلهای کارگری" و "نمایندگان کارگران" برسمیت نشناختند و همواره خواهان بیرون انداختن این نهادها از محیطهای کار بودند.
- ۳- نهاد "شورای عالی کار" براساس سه جانبه گرایی (دولت- کارفرما- کارگر) سازمان یافته و "کارگر" در این نهاد نه نماینده واقعی بلکه عوامل حکومتی و مهر پلاستیکی سرمایه دار است. کارگران پیشرو حتی عضویت نمایندگان واقعی و منتخب کارگران در این نهاد را رد

صفحه ۷

## سازماندهی جنبش سراسری افزایش

### دستمزدها

#### سیاوش دانشور

در ایران هیچوقت جنبشی سراسری برای افزایش دستمزدها وجود نداشته است. کارگران در صنایع مختلف و عمدتاً صنایع بزرگ، در موارد مختلفی با اعتصاب و اعتراض خواست افزایش دستمزد را طرح کردند و بدرجات متفاوت نیز موفق شدند. اما نمیتوان به جنبشی سراسری از جانب طبقه کارگر برای افزایش دستمزدها در مقطع معینی رجوع کرد. دلایل این امر روشن است: در ایران تشکل و حزب کارگری همیشه ممنوع بوده است، کارگران از تشکیلاتهای فابریکی و رشته ای و سازمانهای منطقه ای و سراسری برخوردار نبودند که نمایندگانشان بتوانند در فصل تعیین دستمزدها با کارفرمایان وارد مذاکره و تعیین مفاد قراردادهای دستجمعی شوند. در کشوری که اعتصاب طبق شرع انور [حرام] و ایجاد سازمان واقعی کارگری ممنوع است، تلاشهای کارگران در بهترین حالت به مبارزات در سطح فابریک محدود شده است و موفقیت همین نیز تابعی از جایگاه و اهمیت صنعت مربوطه، بافت کارگران و درجه اعمال قدرت اعتصابی آنها بوده است.

بنابراین نهاد کارفرمایی- دولتی "شورای عالی کار"، هر سال طبق میزان پیش بینی شده در طرح بودجه و با معیار نرخ تورم جعلی اعلام شده توسط بانک مرکزی، درصدی را به دستمزد کارگران "اضافه" کرده است که ظاهراً آن نرخ تورم را پوشش میدهد. در واقعیت اما، اگر یکسال بعد از انقلاب ۵۷ را بعنوان استثنا و تاثیر انقلاب فاکتور بگیریم، بطور مستمر دستمزد کارگران کاهش یافته است. یعنی به کارگر یک اف "زایش" صوری در دستمزدها تعلق میگردد اما قدرت خرید وی در قیاس با سال قبل کمتر شده است. به این روند باید اصلاحات مرتب در قانون کار، بیرون انداختن کارگران کارگاههای کوچک و زیر ده نفر از شمول قانون کار، تاثیرات خصوصی سازیها بر سطح دستمزدها، ایجاد مناطق آزاد تجاری که قانون جنگل برآن حکمفرماست، ورود سرطانی شرکتیهای پیمانی به بازار کار، تغییرات مرتب در قراردادهای کار و کاهش مرتب مزایای کارگران را افزود که مجموعاً روی ناامنی شغلی و کاهش مرتب دستمزد کارگر تاثیرات جدی داشته اند.

در این اوضاع، کارگران در تعیین حداقل دستمزد هیچ نقشی ندارند و سرمایه داران بمثابه برده داران عهد عتیق برای کارگر و سطح زندگی و دستمزدش یکجانبه تصمیم گرفتند و دولت خود بعنوان یک سرمایه دار بزرگ نه فقط به این روند مهر قانونی کوبیده بلکه دستگاه سرکوب را در خدمت اعمال سیاستش به جان کارگر معترض انداخته است. در آخر سال و اساساً در اسفندماه که بحث تعیین حداقل دستمزد توسط دولت و سرمایه داران طرح میشود، هر دو سال یکبار تحت الشعاع نمایشهای انتخاباتی قرار گرفته و امسال نیز با یک حکم دولتی قرار شده به مصوبه سال ۱۴۰۲ با ضریب ۲۰٪

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

## سازماندهی جنبش ...

در بحث خواست افزایش دستمزدها باید روی مفروضات فوق و داده های سیاست حساب کرد. ما از صفر شروع نمیکنیم. اعتصابات کارگری در مراکز مهم و گسترش روزافزون آن، اعتراضات زحمتکشان شهری به فقر و بی مسکنی و بی امکاناتی، برآمدهای توده ای و انقلابی، پتانسیل نفرت انفجاری مردم کارگر و زحمتکش از تشدید فقر و خالی شدن هر روزه سفره بی رونق شان، رایج شدن سو تغذیه میان خانواده های کارگری، پیامدهای فقر و فلاکت اقتصادی از قبیل اعتیاد و تن فروشی و کلیه فروشی و رحم اجاره دادن و فرزند فروشی و هزار مصیبت دیگر، شوک های اقتصادی و گرانی بیشتر قیمت برق و گاز و عاملهای انرژی، کاهش مرتب ارزش ریال و قدرت خرید واقعی کارگران؛ همه اینها را باید در کشمکش بر سر سهم کارگر از ثروت جامعه بحساب آورد.

برای طرح و تحمیل افزایش دستمزد، باید جنبش واقعی افزایش دستمزدها را سازمان داد و بمیدان آورد. این جنبش از مفروضات سرمایه داران و دولت اسلامی شان شروع نمیکند بلکه با پرچم دستمزد و حقوق مکفی برای کل اردوی کار اعم از تولیدی و خدماتی و دولتی از شاغل و بیکار و آماده به کار و بازنشسته و هر ساکن ایران که بدلیل جسمی توان کار ندارد شروع میکند. کارگر به این عنوان بعنوان رهبر جامعه و پرچمدار رفاه همگانی ظاهر میشود.

سوال کلیدی اینست که این امر در فقدان تشکلهای توده ای کارگری و ممنوعیت احزاب کارگری چگونه ممکن است؟ واضح است هیچ سیاست و عمل انقلابی تابع قانون همه یا هیچ نیست. باید از جایی شروع کرد اما پای در زمین سفت و واقعی داشت.

یک جنبش واقعی افزایش دستمزدها از دل مراکز مهم و اصلی کارگری و صنایع بزرگ و متوسط درمی آید و نه از محافل بیرون طبقه و یا امضاهای کارگران اتمیزه و بدون قدرت عمل جمعی. پس در گام اول باید به تمام اشکال مقدور و ممکن کارگران صنایع مختلف را حول مبارزه برای افزایش دستمزد و یک سلسله اقدامات اعتراضی آماده کرد. یک هم جبهتی عمومی برسر افزایش دستمزد در سطح رشته ها میتواند خلاء کنونی را پر کند.

این جنبش ضروری است با بیانیه کارخانجات و صنایع مختلف برای افزایش دستمزد اعلام موجودیت کند و بورژوازی اسلامی و کارفرمایان را بمصاف بطلبد. جامعه باید متوجه حضور کارگران برای یک امر مهم اجتماعی و مربوط به اکثریت عظیم بشود تا امکان مانور و جذب نیرو و حمایت گسترده وجود داشته باشد.

در صنایع مختلف نمایندگان واقعی کارگران طی مکانیزم مجمع عمومی برای مذاکرات انتخاب شوند. بعنوان مثال در سطح رشته ها و سراسری این امر بسیار مقدور و ساده است. مانند کارگران صنایع

کردند چون یک رای در مقابل دو رای نماینده کارفرما و دولت هیچ تاثیری ندارد.

۴- آمارهای جعلی بانک مرکزی برای کارگر قابل قبول نیست و با تورم واقعی فاصله نجومی دارد. مهمتر اینکه کارگر امروز بحث افزایش دستمزد را براساس جبران کردن "ترخ تورم" قبول ندارد.

۵- خط فقر ملاک توقع کارگر از دستمزد نیست، کارگران خواهان دستمزدی مطابق با "خط رفاه" و جوابگوی نیازهای وسائل زندگی هستند. افق کارگر رسیدن دستمزد به سطح خط فقر نیست، کارگر سهمش را از زندگی و ثروت اجتماعی که خود تولید کرده است میخواهد.

۶- خواستههای کارگران مربوط به کل جامعه است. کارگران میگویند دستمزدها باید تامین کننده یک زندگی شایسته و جوابگوی نیازهای انسان امروز باشد. نمی گویند این دستمزد را فقط برای کارگران میخواهیم. یا معلمان میگویند آموزش رایگان حق پایه ای هر شهروندی است. پرستاران میگویند بهداشت و درمان حق همه است. بعبارت دیگر، کارگران دارند به جامعه میگویند که پاسخ آنها بعنوان یک طبقه و یک جنبش اجتماعی به مسائل اصلی اکثریت عظیم شهروندان ایران چیست.

در کنار پیش فرضهای فوق که حاصل سالها بحث و جدل و تجربه عملی است، مسائل دیگری مانند حقوق و مزایای معوقه، قراردادهای مختلف و نایمن، تاثیرات شرکتهای پیمانی و خصوصی سازی بر سازمان کار و توان اعتراض طبقه، تغییرات مستمر در قانون کار و شوک های اقتصادی، توقع کارگر را اگر نگوئیم پائین آورده لافل به موضع دفاعی رانده است. اعتراضات گسترده و سراسری برای همسان سازی دستمزدها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل - که اساساً تلاشهائی در حاشیه دستمزد محسوب میشوند و مجموعاً دریافتی کارگر و کارکن را اندکی بیشتر میکند - همه از فقدان یک جنبش سراسری برای افزایش دستمزدها و حقوق پایه سخن میگویند.

### کدام خط مشی و از کجا شروع باید کرد؟

با پیش فرضهای فوق و نقاط قوت و ضعف سازمانی طبقه کارگر و تناسب قوای کنونی، با علم به اینکه از قانون و شورای دولتی - کارفرمایی نه فقط چیزی برای کارگر در نمی آید بلکه دولت و سرمایه داران با شوک های اقتصادی مستمر و پلکانی اوضاع را وخیمتر میکنند، و مهمتر نظر به اوضاع ملتهد سیاسی و جایگاه مهم کارگر بعنوان یک طبقه برای پاسخ به کلیدی ترین سوال جامعه یعنی فقر و فلاکت عمومی که بار اساسی آن روی دوش طبقه کارگر است؛ باید سیاست و خط مشی ای اتخاذ کرد که به این مجموعه جواب دهد. یعنی هم دستمزدها را بالا ببرد و هم موقعیت کارگر را بعنوان یک آکتور مهم سیاسی در جامعه تثبیت کند.

### جنبش واقعی افزایش دستمزدها

## سازماندهی جنبش ...

تحول دارد. در کشورهایی مانند ایران بحث "مبارزات تدافعی" و "مبارزات صنفی" کارگران به معنی رایج "غیر سیاسی"، فاقد کمترین اعتبار است و بیانگر نشناختن جایگاه مبارزه کارگری در سیاست و درک معوج از رابطه اقتصاد و سیاست در این کشورهاست. مبارزه و قدرت واقعی کارگران وقتی روی صحنه می آید که توده کارگران در آن حضور دارند. مهم نیست بر سر چیست.

هر سیاست و تاکتیک کارگری اگر توده کارگران را پشت خود نداشته باشد از قبل مهر شکست بر پیشانی آن کوبیده شده است. کارگر برای ایجاد تشکل، برای هر تغییری که باید به نفع کارگران صورت گیرد، تنها میتواند به نیروی خودش متکی شود. تشکل کارگری را نمیتوان به نیابت از کارگران درست کرد. اهداف کارگری را نمیتوان به نیابت از کارگران پیش برد. کارگران نباید انتظار داشته باشند با سیاست امضا جمع کردن و عریضه نویسی صرف برای تزار و شاه و ولی فقیه و مجلس اوباش سرمایه دار، حقوق و حرمت شان تامین میشود. مسئله ساده است: به همان درجه ای که میتوانیم نیرویمان را بمیدان بیاوریم و در میدان نگهداریم، به همان درجه امکان پیروزی و پیشروی وجود دارد. هیچ راه حل سومی وجود ندارد. هیچ ناجی ای وجود ندارد. هیچ سیاست انتظاری کارساز نیست.

دعوت ما از لایه رهبران عملی و شبکه و محافل کارگری اینست که برای سازماندهی جنبش واقعی افزایش دستمزدها، برای دستمزد و حقوق مکفی، آستین ها را بالا بزنند. مکانیزم مبارزه کارگری با مکانیزم مبارزه توده ای از جمله همینجاست. کارگر میتواند در دفاع از سهم خویش از ثروتی که خود تولید کرده است و بمثابه رهبر مبارزه با فقر و فلاکت در جامعه بمیدان بیاید و توده های عظیم میلیونی را بسیج کند. این قلمروی است که همه جناحهای بورژوائی اعم از حکومتی و اپوزیسیونی فاصله شان را با کارگر نگاه میدارند. این قلمروی است که کارگر میتواند ابتکار عمل سیاسی را از یک دریچه واقعی و مادی و مهم برای دهها میلیون در دست بگیرد و در خدمت امر تشکل و سازمان محلی و سراسری خود گامهای جدی بردارد.

۲۴ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۴ مارس ۲۰۲۴

شده باشد که این جنگ انتقامجویانه از حماس نبود؛ این دادن یک درس به شورشگران فلسطینی نبود؛ این یک جنگ کوتاه مدت قرار نبوده باشد. هدف، پاکسازی کامل غزه و اشغال کامل آن بود و هست. بدنبال این پاکسازی و اشغال کامل، پروژه های متعدد سیاسی، نظامی و اقتصادی که در صندوق است بیرون خواهد آمد. اولین پروژه مهم اقتصادی که دارای اهمیت سیاسی نیز هست، بهره برداری از گازهای ساحل غزه توسط کمپانی بریتیش پترولیوم، ساختن و راه اندازی خط لوله یورو - مد و ارسال گاز به اروپا است.

\*\*\*

فلزی اعم از فولاد و ذوب آهن و آلومینیوم، کارگران معادن، کارگران پتروشیمی ها، کارگران برق، خودروسازها و قطعه سازی ها، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و کادر درمان، و ... نرخ معینی را برای دستمزدهای مکفی و پایه که پاسخ نیازهای زندگی در وضعیت کنونی را میدهد باضافه آیتم های مربوط به قراردادهای جمعی طرح کنند. همین دستمزد پایه را بعنوان حقوق دیگر بخشها میتوان مینا گرفت.

- طرح خواست افزایش دستمزدها در تعدادی از مراکز مهم کارگری لازم است با اعمال قدرت کارگری و پشتوانه مادی ترکیب شود. سازماندهی اعتصابات اختطاری در مجموعه ای از صنایع به دولت و سرمایه داران اولتیماتوم میدهد و توده های طبقه و جامعه را حول این حرکت بسیج میکند. در این روند هماهنگی صنایع مهم و هم جبهتی و حمایتی متقابل به جنبش عمومی برای افزایش دستمزدها قدرت جدیدی میدهد.

- گامهای بعدی را میتوان با توجه به تناسب قوای موجود و میزان توان مبارزاتی و اتحاد کارگران تعیین کرد. کارگر بجز اهرم اعتصاب در مراکز بزرگ سلاحی ندارد. محافل و شبکه های فعالین کارگری و رهبران عملی بعنوان سازماندهندگان، لایه هائی از رهبری کارگران، مجامع عمومی کارگری که قدرت جمعی و عمل مستقیم توده کارگر را در این اعتراضات تامین میکنند، پشتوانه اساسی و کلیدی پیشبرد چنین سیاستی هستند و این صلاحیت و توان را دارند که در باره جوانب مختلف تاکتیکهای مبارزاتی کارگران و سازماندهی حمایت توده ای از جنبش کارگری اقدامات مختلفی را سازمان دهند.

مبارزه برای افزایش دستمزد و حق زندگی و سلامت و بهداشت و آموزش و مسکن، سیاسی ترین حرکت است. باید این بحثهای کلیشه ای و دوقطبی های کاذب چپ خرده بورژوا مانند "مبارزه صنفی - مبارزه سیاسی" و "خواست صنفی - خواست سیاسی" را کنار گذاشت. مهم نیست چه خواستی مطرح است، مهم اینست چه تاثیری در سیاست سراسری و جامعه در حال

## غذا همراه بمب فرو می ریزد! کمدی - تراژدی هالیوودی آمریکا

### آذر ماجدی

پس از پنج ماه کشتار وحشیانه، قتل عام کودک و سالمند، با خاک یکسان کردن غزه، و اکنون با گرسنگی دادن به آوارگان ضربه پذیر، به کودکان، به مجروحین، دیگر باید برای خوش باورترین شاهدان این نسل کشی هم آشکار

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!





دلار کمک تسلیحاتی دیگر برای اسرائیل تصویب کرد.

آنگاه صحبت از کمک های هوایی می کنند! مردم را احمق فرض کرده اند؟ خیر، کاملا آگاه اند که در میان مردم کاملا بی اعتبار شده اند. می دانند که دروغ هایشان را کسی باور ندارد. مساله به یک معنا "حفظ ظاهر است". باید یک

روایت را ارائه دهند و پیش ببرند. سیاست نزد طبقه حاکم یعنی همین. تدوین یک روایت بعنوان سناریو و سپس پیشبرد آن با دروغ، ریا و از طریق تحمیق یا سرکوب مردم و ارائه آن بعنوان حقیقت.

از دوم مارس آمریکا و اردن با هم چندین کمک هوایی در آب و در ساحل غزه پرتاب کرده اند. سپس مصر هم به این نمایش پیوست. حتی ویدیویی پخش کردند از شاه اردن که داشت بسته کمک را از هواپیما به بیرون هول می داد! هالیوود تمام قد وارد صحنه سیاست جهانی شده است. این یک نمایش سیاه و مضحک است و بس. اما این تمام ماجرا نیست.

#### استقرار اسکله شناور در ساحل غزه

آمریکا سپس اعلام کرد که بندرگاهی در نزدیک ساحل غزه برای تسهیل و تسریع کمک به آوارگان غزه خواهد ساخت! تسهیل و تسریع کمک؟ کافیتس به اسرائیل بگویند ارتش را عقب بکشد و مانع ارسال کمک از راه زمین نشود. اما نه. دارند خلاقیت بکار می بندند! مساله اینجاست که هر روز بیشتر نقشه اولیه آشکار می شود. تخلیه کامل غزه و اشغال کامل آن توسط اسرائیل، آغاز بهره برداری از گاز غزه و راه اندازی و بهره برداری خط لوله یورو-مد. علاوه بر آغاز پروژه بندرگاه ارتش آمریکا، یک کشتی کمک، از طریق یک سازمان خیریه، از قبرس بسوی غزه براه افتاد. اینطور وانمود می کنند که ارسال کمک دریایی، بجای باز کردن ورودی غزه، از اینروست که اسرائیل باید اطمینان حاصل کند در محموله هیچ سلاحی پنهان نشده است. بنظر می رسد که این نیز برای عادی سازی خط تجارت نفتی از بندر قبرس به غزه است؛ قراردادی که در سال ۲۰۱۹ میان اسرائیل، قبرس، یونان و اروپای واحد به امضاء رسید.

آمریکا روز شنبه ۹ مارس یک کشتی نظامی با ۱۰۰۰ تن نیرو با هدف ساختن یک اسکله شناور در ساحل غزه بسمت خاورمیانه گسیل داشته است. آمریکا اعلام کرده که این یک اسکله موقت است. اما بنظر می رسد که این یک بهانه دیپلماتیک فریبنده برای ارسال نیروی گسترده تر به منطقه و راه اندازی بندرگاه در غزه است. استقرار این بندرگاه به گفته مقامات ۶۰ روز بطول می انجامد. طی ۶۰ روز بیش از نیمی از مردم غزه از گرسنگی جان خواهند باخت. سازمان ملل رسماً اعلام کرده است که بویژه بچه ها در شرف مرگ قریب الوقوع از گرسنگی هستند. رساندن کمک به آوارگان غزه یک بهانه خوب برای ارسال نیروی نظامی بیشتر به منطقه و آغاز عملیات برای آغاز بهره برداری از منابع گاز غزه است..

## غذا همراه بمب فرو می ریزد! کمدی - تراژدی هالیوودی آمریکا آذر ماجدی

کشتار و قتل عام در غزه پس از پنج ماه، همچنان ادامه دارد. بیش از ۳۰ هزار نفر کشته شده اند که ۱۳ هزار نفر آن کودک اند. قطعی و گرسنگی، بویژه، جان نیمی از کودکان زیر دو سال را تهدید می کند. دنیا دارد از یک فاجعه بی سابقه جهانی صحبت می کند. تمام این فاجعه در مقابل چشمان ما اتفاق می افتد. اما دنیا از توقف آن ناتوان بنظر می رسد. هیات حاکمه در غرب دیگر حتی تلاش چندانی برای پنهان کردن دروغ هایش نمی کند. صریحاً از نسل کشی اسرائیل و تداوم آن دفاع و آنرا توجیه می کنند. دنیا به خشم آمده است؛ میلیون ها نفر در دنیا علیه این جنایت دست به اعتراض زده اند. پاسخ دولت ها، سرکوب بیشتر آزادی های سیاسی و مدنی، سانسور بیشتر، تبلیغات نفرت پراکنانه علیه مسلمانان، تحت عنوان "افراطی گرایی" اسلامی و پلیسی تر کردن جامعه است.

اسرائیل پس از گسیل بیش از یک میلیون نفر از ساکنین غزه به رفح، بمباران مستمر رفح و آغاز عملیات زمینی، مانع ورود کامیون های کمک های غذایی و دارویی است. تعدادی اسرائیلی فاشیست و دولتی با حمایت ارتش، در برابر محل ورود کامیون های کمک های بین المللی به غزه، دست به تظاهرات زده اند و عملاً مانع ورود کمک های ارسالی به غزه می شوند. هیات حاکمه غرب که تظاهرات در حمایت مردم فلسطین و محکومیت اسرائیل را تحرکات افراطی اسلامبستی، ترویج نفرت و آنتی سمیتسم و تهدید صلح می نامد و قصد ممنوعیت کامل آنرا دارد، حمایت ارتش اسرائیل از تظاهرات یک دسته لات فاشیست را بعنوان احترام به آزادی های سیاسی توجیه می کند. این معیارهای دوگانه دلبخواهی را چه باید نامید؟ ریاکاری، این میزان وقاحت را بیان نمی کند.

آن ذره کمک هایی هم که به محل می رسد با آتش باران ارتش اسرائیل مواجه می شود. دو هفته پیش بیش از صد نفر در آتش باران ارتش اسرائیل در صف دریافت غذا کشته شدند و بیش از هزار نفر زخمی؛ فاجعه ای که "کشتار آرد" لقب گرفته است.

پس از این جنایت آشکار و مسلم، بایدن اعلام کرد که کمک های هوایی به غزه ارسال خواهد کرد. چرا؟ چرا به اسرائیل نمی گویند که ارتش اش را عقب بکشد و اجازه دهد کامیون های کمک وارد غزه شوند؟ کافیتس، آمریکا به اسرائیل بگوید که از آن منطقه عقب بنشینند؛ آتش را متوقف کند؛ کشتار متوقف می شود و کمک به مردم غزه می رسد. در نتیجه این فقط یک جوک سیاه و تلخ است. بدون کمک های آمریکا اسرائیل قادر نیست یک روز این جنگ و کشتار را ادامه دهد. بدون توافق آمریکا، اسرائیل باید بلافاصله عقب نشینی کند. آمریکا دوباره آتش بس در شورای امنیت سازمان ملل را وتو کرد. ماه گذشته مجلس آمریکا ۱۴ و نیم میلیارد



کارش، با طناب از پشت بسته شده بود و طنابی برگردنش آویزان. پدر که از هراس چشمانش کور شده بود نمی توانست تشخیص بدهد. شناسایی این جوان سترگ را به دائی سپردند. دائی او از روی تتوی بدنش و پاهایی که سالم مانده بودند شناخت. آنوقت بود که توانستند فرزند دلبندها را شناسایی کنند. خبر کشته شدن

سوسیالیست انقلابی شهر و فعال کودکان در بحبوحه ی خیزش انقلابی ۱۴۰۱ بسرعت در شهر پیچید و خون مردم را بجوش آورد. روزهای بعد صدها شعار و نوشته بنام او و بیاد او و آرمان رهایی بخشش روی دیوارهای گچساران نقش بست. مردم و انقلابیون شهری گچساران، اکباتان، آبادان، سنج، زاهدان یادش را گرامیداشتند و مادران خدانورلجعی، سیاوش محمودی، محسن شکاری، سارینا اسماعیل زاده، مهسا و نیکا ها و صدها مادر دیگر با مادر صادق گریستند .

صادق فولادی وندا دربهشت زهرا ی گچساران به خاک سپرده شد و روی سنگ قبرش نوشتند:

صادق فولادی وندا

فرزند محمد (کسی اسم مادرش را فراموش کرد).

تولد ۱۳۷۰/۱۱/۲۲ - تولد دیگر ۱۴۰۲/۱۲/۰۲

کفاش گلهای رنج

صادق فولادی وندا فقط ۲۹ سال عمر کرد .

در روی صفحه اینستاگرامیش همچنان این کلمات نقش را می توان دید. او را با آنچه که خود نوشت بیاد آوردیم .

«هنگامی که مسیر مرگ را آگاهانه دریایی

حجاب خودپرستی فروخواهد ریخت

آنگاه خواهی دید ؛

کرانه های سپید را

و حتی فراتر

طلوع گرمابخش خورشید را .....»

\* گلهای رنج نام کتابی از شارل پیر بودلر شاعر فرانسوی قرن نوزدهم میباشد .

## کارگر کفاشی "گلهای رنج" را بیاد بسپاریم! درگرامیداشت سوسیالیست انقلابی صادق فولادی وندا

پروین کابلی

روز بعد از پیدا شدن جسد صادق فولادی وندا در شهر گچساران، شعار زنده باد سوسیالیسم دیوارهای شهر را پوشاند .

صادق فولادی وندا که بود، که در شهر گچساران جوانان و مردم زحمتکش با نام او سوسیالیسم را تداعی کردند و بار دیگر بیادمان آوردند که پایان رنج بشر را فقط در افضی با برابری انسانها می تواند دید .

صادق در سال ۱۳۷۳ در روز ۲۲ بهمن در شهر گچساران در خانواده ای تنگدست بدنیا آمد. روز تولد صادق در ۲۲ بهمن اتفاقی رقم خورد. اگر انقلاب ۵۷ در ایران به پیروزی می رسید این روز بعنوان روز قیام مردم بر علیه سرمایه، زور و تنگدستی نامیده می شد. روز جشن زحمتکشان می شد. روزی برای پیروزی همه ی کودکان می شد که در یک دنیای بهتر، بدون ترس از گرسنگی، کار کودک، جنگ و مصائب اجتماعی می توانستند زندگی کنند. میتوانست روز زانی باشد که از ستم رها بودند. اما این نشد و صادق همانند همه ی فرزندان زحمتکش با نابرابری و ستم بزرگ شد .

صادق بعد از تحصیلات ابتدایی در رشته مهندسی مکانیک تحصیلات خود را به پایان رساند. اما نتوانست کاری بیابد. بعد از مدتی مجبور شد در قالی شویی کار کند و زندگیش را تامین کند. به روایت کلیپی که برای او ساخته شده است بعد از آن در جهنم عسلویه و بعدا کفاش «گلهای رنج» شد. او بنا به علاقه اش و بطور حرفه ای بوکس بازی میکرد. روایت ها از جستجوی بیوفقه او برای یافتن سوالهای زندگی میگوید. در کتابها، سوالاتش را جستجو میکرد و دریافت که برای تغییر باید حرکت کرد. در زندگی باورهایش را پراتیک کرد و آگاهانه تلاش نمود که بدون ترس برای به جامه ی عمل پوشاندن آمالش حرکت کند. مردم شهر می شناختندش. در میان مردم بعنوان انسانی بزرگ و چهره ای سوسیالیست محبوب شد. اگر چه او جوانی بیش نبود.

صادق صدای کودکان کار در گچساران شد. دهکده ای ی کفاشی در خیابانی به محلی برای کسب درآمد و کمک به خانواده اش باز کرد و بنام رنج کودکان آنرا «کفاشی گلهای رنج» نامید. کفاشهای کودکان رنج را با عشق برایشان تعمیر میکرد و به آنها برمیگرداند. عشق او به تغییر زندگی کودکان و حمایت از آنها از او یک حامی کودکان ساخت. مردم گچساران می دانستند که او یک فعال حقوق کودک است .

خیزش انقلابی ۱۴۰۱ گچساران را مثل بقیه شهرهای ایران به حرکت در آورد. امید به زندگی، تغییر و آینده ای بدون درد و رنج مردم را به خیابانها کشاند. رژیم هراسان از سقوط خود به کشتار انقلابیون پرداخت و بلاطبع صادق یکی از کسانی بود که دستگیر و شکنجه شد. او هم از تیغ جلا در امان نماند .

کسی از زمان چگونگی و دستگیری صادق فولادی وندا اطلاع دقیقی ندارد. اما مدتی بعد جنازه ی او در رودخانه پشت پاساژ کپرها پیدا شد. دستهای

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

## بازنشر، بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمیتست در گرامیداشت یکصد و پنجاهمین سالروز

### کمون پاریس

#### درسهای کمون برای مبارزه کمونیستی امروز

از فتح باستیل در ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ در انقلاب کبیر فرانسه تا بخون کشیده شدن کموناردها در هفته خونین مه ۱۸۷۱، فرانسه درگیر یک دوره تحول و کشمکش سیاسی حاد طبقاتی است. اروپای کهن با حکومت‌های استبدادی و سلطنتی در کشاکش جنگ و برتری جوئی بود و طبقه کارگر در وحشتناک ترین شرایط ممکن زیستی سربازان ساده جنگ و رقابت بورژوازی. در اروپای کهن نیازی اجتماعی و تاریخی برای تغییر ضروری شده بود و این کارگران قهرمان پاریس بودند که با اولین انقلاب کارگری جهان فصلی نو درانداختند. کمون پاریس از یکسو در تحولات انقلاب فرانسه از جمله سقوط امپراتوری دوم، اعلام جمهوری سوم، مسئله کمبود غله و نان و گرسنگی شدید، شکست فرانسه در جنگ با دولت پروس ریشه دارد، و از سوی دیگر، به تجارب برجسته مبارزه طبقه کارگر اروپا مانند جنبش چارتیست‌ها در انگلستان، شورش مسلحانه کارگران نساجی آلمان و کارگران ابریشم بافی لیون فرانسه، متکی بود.

کمون پاریس فشرده تجربه مبارزه طبقه کارگر بود. کارگران فرانسه از انقلاب کبیر فرانسه تا کمون پاریس بارها مسلح شدند و در سنگرهای مختلفی جنگیدند اما هر بار حاصل فداکاری پرولتاریا را بورژوازی مرتجع و اشراف سلطنت طلب درو کردند. در انقلاب‌های ۱۸۴۸ اروپا، در فرانسه سلطنت بوربورن ها و لوئی فلیپ سرنگون شد و حاصل آن جمهوری دوم فرانسه در ماه فوریه شد. تنها چند ماه بعد در اواخر ژوئن ۱۸۴۸ کارگران پاریس قیام کردند. قیام ژوئن کارگران پاریس بخون کشیده شد. تجربه قیام ژوئن ۱۸۴۸ و سرنگونی بوربون ها این ضرورت را برجسته کرد که کارگر باید راسا و در صف مستقل خویش برخیزد و کل نظم کهن را درهم بکوبد. این تجربه در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ به کمون پاریس منجر شد.

اما اتفاق مهم دیگری زمینه خروش پرولتاریای پاریس بود. ناپلئون سوم که با موج نارضایتی عمومی و فقر و گرسنگی شدید روبرو بود، با بیسمارک برسر منطقه "راین" در ژوئیه ۱۸۷۰ وارد جنگ می شود. ناپلئون در این نبرد متحمل شکست های پی در پی میشود و بناچار "سدان" را به ارتش پروس تسلیم میکند. تسلیم سدان و شکست ناپلئون سوم و دستگیری وی توسط ارتش بیسمارک در روزهای اول سپتامبر، تنور تحولات فرانسه را داغ تر میکند. روز ۴ سپتامبر با خبر تسلیم در سدان، کارگران پاریس به چند مرکز دولتی حمله می کنند و مجلس قانونگزاری را وادار به اعلام سقوط امپراتوری می کنند. عصر روز چهارم سپتامبر در تالار شهرداری مرکزی

پاریس "جمهوری" اعلام و "حکومت موقت دفاع ملی" با سیاست ادامه جنگ و بیرون کردن ارتش پروس از فرانسه، مستقر می شود.

کارگران پاریس مسلح بودند و بورژوازی فرانسه تلاش داشت با تبلیغات ناسیونالیستی دولت "دفاع ملی" را تحکیم کند. اولین اقدام "دولت دفاع ملی" برقراری نظم و سرکوب طبقه کارگر و خلع سلاح آنان بود. در ۳۱ اکتبر ۱۸۷۰ و در ۲۲ ژانویه ۱۸۷۱ کارگران مسلح تلاش کردند که دولت دفاع ملی را درهم بکوبند اما هر بار سرکوب شدند. در فاصله اکتبر ۱۸۷۰ تا مارس ۱۸۷۱، کارگران پاریس واحدهای مسلح خود را در مناطق بیست گانه پاریس سازمان داده بودند و مهمتر ارتش کارگری خود را تحت عنوان "گارد ملی کارگران" و "کمیته مرکزی گارد ملی" ایجاد کردند. دولت در فکر خلع سلاح کارگران بود و اولین کنگره گارد ملی از زبان "وارلین" یکی از نمایندگان قاطعانه اعلام کرد: "ما کارگران به خود اجازه خلع سلاح نخواهیم داد، نبرد تا پیروزی ادامه دارد!" کارگران پاریس در کشمکش با "دولت دفاع ملی" هر بار موفق شدند زور را با زور پاسخ دهند. در این نبردها هر روز آموزش دیدند، قدرت شان را حفظ و تحکیم کردند و برای تصرف قدرت در روز ۱۸ مارس آماده شدند. مارکس در بیانی شیوا میگوید:

"در صبح ۱۸ مارس، پاریس با صدای رعد آسای "زنده باد کمون" از خواب بیدار شد... پرولتراهای پاریس، در میان ضعف‌ها و خیانت‌های طبقات حاکمه دریافتند که ساعت عمل برای نجات اوضاع، از راه به دست گرفتن اداره امور کشور، فرا رسیده است... وقتی کمون پاریس زمام انقلاب را به دست خود گرفت، وقتی برای نخستین بار کارگران ساده جرأت کردند به امتیازات "بالا دستی‌های" خود تجاوز کنند، در آن وقت دنیای کهن به دیدن درفش سرخ، مظهر حکومت کارگری که بر فراز شهرداری به اهتزاز درآمده بود، از خشم و غضب متشنجانه به دست و پا زدن افتاد. این کارگران ساده در شرایط بیمانندی از سختی، با فروتنی و دلسوزی و به نحوی مؤثر کار خود را به انجام رساندند و آن هم در ازای حقوقی که بالاترینش به قول یک مقام عالی علمی، به زحمت به یک پنجم حقوق منشی شورای اداری یکی از مدارس لندن می‌رسید."

#### اقدامات کمون

کمون از ۱۸ مارس تا ۲۱ مه اقداماتی صورت داد که بورژوازی در یک قرن نتوانسته صورت دهد. این درحالی است که همان روز ۱۸ مارس "آدلف تی پر" که برای خلع سلاح پاریس تلاش می کند، ارتش را به پاریس اعزام می کند، اما سربازان با آژیتاسیون یکی از زنان کموناردها به کارگران پاریس ملحق می شوند، از فرمان آتش به سمت کارگران خودداری می کنند و دو ژنرال فرمانده خود "کلود مارتن لکت" و "ژاک لئونار کلمان توما" را بقتل می‌رسانند. تی پر بدنبال این واقعه جنگ داخلی را آغاز می کند. زنان نقش بسیار برجسته ای در کمون و در نبردها داشتند. بسیاری کارها از فرماندهی جنگ تا اداره امور را زنان عهده دار شدند.

## بازنشر، بیانیه حزب کمونیست کارگری ...

روز ۲۶ مارس، کمون پاریس توسط شهروندان پاریس انتخاب می شود. کمون شامل کارگرانی است که در بین آن‌ها پیروان انترناسیونال از پرودون تا بلانکی وجود دارند. در فاصله ۱۸ تا ۲۶ مارس کمیته مرکزی گارد ملی اداره امور و وظائف حکومت را در دست دارد. در ۲۸ مارس، کمیته مرکزی گارد ملی استعفا میدهد. در ۳۰ مارس، کمون نظام وظیفه و ارتش دائمی را ملغی می کند. گارد ملی تنها نیروی مسلحی است که همه افراد قادر به حمل سلاح در آن ثبت نام می کنند. کمون کلیه اجاره خانه‌های معوقه را از اکتبر ۱۸۷۰ تا آوریل ۱۸۷۱ می‌بخشد. در همان روز اعتبارنامه خارج‌یانی که برای عضویت کمون انتخاب شده‌اند، تایید می‌شود، زیرا پرچم کمون پرچم جمهوری جهانی است. در روز ۱ آوریل، کمون اعلام می‌کند که بالاترین حقوق دریافتی یک عضو کمون از ۶۰۰۰ فرانک تجاوز نمی‌کند. در روز ۲ آوریل، کمون جدائی کلیسا از دولت، لغای هرگونه کمک مالی دولت به مقاصد مذهبی و تبدیل تمام اموال کلیسا به اموال دولت را مقرر کرد. مذهب امری صرفاً شخصی اعلام می‌شود. در روز ۵ آوریل، در تلاش برای جلوگیری از تیرباران کموناردها توسط ورسای، یک لایحه قانونی در مورد گروگان‌ها تصویب شد. براساس این تصویب نامه همه کسانی که به داشتن ارتباط با حکومت در ورسای متهم می‌شدند، گروگان اعلام شدند. این تصمیم اما هرگز اجرا نشد. در روز ۶ آوریل، گیوتین این مظهر اعدام توسط گردان ۱۳۷ گارد ملی بیرون آورده شد و در میان غریو شادی پاریسی‌ها سوزانده شد. در روز ۷ آوریل، ارتش ورسای یک جبهه در غرب پاریس را تصرف و به تیرباران کموناردها مبادرت نمود. کمون در اینروز در عکس‌العمل به سیاست تیرباران کموناردهای دستگیر شده، سیاست "چشم در مقابل چشم" و "دندان در مقابل دندان" را اعلام و تهدید به مقابله به مثل کرد. اما یک اقدام جنگی و تبلیغاتی بود، کارگران پاریس هیچ کسی را در دوره حکومت کمون اعدام نکردند. در روز ۸ آوریل، کمون با تصویب یک لایحه قانونی هرگونه نشانه، تصویر، دگم و دعای مذهبی را از مدارس بیرون راند. این قانون مقرر کرد هرآنچه به حوزه وجدان فردی تعلق دارد از مدارس خارج گردد. در روز ۱۱ آوریل، جنوب پاریس درگیر تهاجم ارتش فرانسه است، کموناردها ارتش فرانسه را عقب می رانند. در ۱۲ آوریل، کمون تصمیم می‌گیرد که "ستون پیروزی" در میدان "واندوم"، این نماد ناسیونالیسم و عظمت طلبی فرانسه را که پس از فتوحات ناپلئون در ۱۸۰۹ از توپ‌های غنیمتی ساخته شده بود، به‌عنوان نشانه شوینیسیم و تحریک نفرت ملی، تخریب کند. این دستور کمون در روز ۱۶ مه اجرا شد. در روز ۱۶ آوریل، کمون تعویق سررسید کلیه بدهی‌ها و لغو بهره آنها را تا سه سال بعد اعلام کرد. همینطور کمون تصویب کرد که لیستی از کارخانه‌هایی که توسط صاحبان آنها بسته شده اند تهیه شود و طرح‌هایی تنظیم گردد که مطابق آنها این کارخانه‌ها توسط کارگران سابق خود که در تعاونیها متشکل می‌شوند، اداره گردند. این تعاونی‌ها در یک سندیکای واحد بزرگ متشکل شوند. در روز ۲۰ آوریل، کمون شب کاری کارگران نانوائی را ممنوع کرد.

همچنین کارت قدیمی ثبت نام کارگران که توسط امپراطوری دوم تهیه شده بود را ملغی و صدور کارت ثبت نام کارگران را به شهرداری مناطق بیست گانه پاریس واگذار کرد. در روز ۲۳ آوریل، نمایندگان کمون با تی پر برای معاوضه بلانکی نماینده منتخب کمون که زندانی بود با اسقف اعظم ژرژ داربوا و کلیه کشیش‌هایی که در پاریس گروگان بودند، مذاکره میکند. تی پر مذاکرات را قطع و بر خطر "توطئه پاریس" تاکید میکند. در روز ۳۰ آوریل، کمون دستور تعطیل گروخانه‌ها را به این دلیل که وسیله استثمار کار هستند و با حق کارگران بر ابزار کار خود و حیثیت شخصی شان تناقض دارد، صادر می‌کند. در روز ۵ مه، کمون دستور تخریب "محراب ندامت" که در استغفار از اعدام لوئی ۱۶ ساخته شده بود، را صادر می‌کند. در روز ۱۶ مه، ستون "واندوم" بعنوان مظهر افتخار ناسیونالیسم و توسعه طلبی فرانسوی در میان شادی کارگران انقلابی پاریس واژگون می‌شود. اقدامات کمون در متن یک جنگ بیوقفه توسط دولت انقلابی کارگری صورت گرفت. روز ۲۱ مه، سربازان ورسای وارد پاریس میشوند و نبرد سنگر به سنگر با کموناردها در پاریس آغاز میشود.

کمون از ۱۸ مارس تا ۲۸ مه طول طول کشید. در فاصله ۲۱ تا ۲۸ مه ۱۸۷۱ یعنی هفته خونین، ارتش تی پر در همکاری با بیسمارک، کموناردها را قتل عام کرد. پروسی‌ها که دژهای شمال و شرق پاریس را در دست داشتند به سربازان ورسای اجازه می‌دهند که از طریق املاک شمال پاریس که مطابق قرارداد آتش بس برای آن‌ها منطقه ممنوعه بود، به سمت پاریس پیشروی کنند. کارگران پاریس در این جناح نیروی اندکی داشتند. در نتیجه، در نیمه غربی پاریس (شهر تجمل) مقاومت ضعیفی صورت گرفت و هرچه سربازان به نیمه شرقی پاریس (شهر کارگران) نزدیک تر می‌شدند مقاومت سرسختانه بود. ارتش فرانسه هشت روز را به کشتار کارگران و تیراندازی به غیر نظامیان گذراند. این عملیات توسط مارشال ماکماهون رهبری می‌شد که بعداً به ریاست جمهوری فرانسه رسید. حدود ۳۰۰۰۰ کمونارد بی محاکمه تیرباران شدند. قریب ۳۸۰۰۰ نفر زندانی گردیدند و حدود ۷۰۰۰۰ به تبعید فرستاده شدند.

نام و مقاومت کموناردهای قهرمان پاریس بر پرلاشز و سنگفرشهای حک شده و بعد از صد و پنجاه سال هنوز نام پرلاشز آخرین سنگر کموناردها را تداعی می‌کند. دیوار گورستان پرلاشز بعدها "دیوار هم پیمانان" نام گرفت، محلی که صدها کمونارد وقتی بعد از شلیک آخرین گلوله هایشان اسیر شدند، دستجمعی در این محل با فریاد "زنده باد کمون" تیرباران شدند. بقول مارکس، "حتی آنزمانی که خیزش در معرض شکست بود، کارگران هنوز به مقاومت قهرمانانه خود پای می‌فشرده. آنها مرگ با افتخار، با تفنگ در دست را ترجیح دادند. آنها نمی‌خواستند سلاحشان را بر زمین گذارند زیرا که می‌خواستند سربلند زندگی کنند. آنها روح پرولتاریای انقلابی را به نمایش گذاشتند و مرگ را بر تسلیم شدن بی افتخار ترجیح دادند." بدنبال قتل عام مه و دستگیری‌ها و تبعیدهای وسیع، حکومت

## بازنشر، بیانیه حزب کمونیست کارگری ...

ضد انقلابی ورسای در ژوئن ۱۸۷۱ مجدداً در پاریس مستقر شد. کمون دولت انقلابی طبقه کارگر بود که در پی استقرار نظم جدیدی بود. بقول مارکس، "جوهر حقیقی کمون این بود که کمون، یک دولت کارگری بود. محصول مبارزه طبقه تولید کننده بر علیه طبقه غاصب و چپاولگر محصول تولید. سرانجام، آن روبنای سیاسی که تحت حاکمیت آن، امکان رهائی اقتصادی کار میسر میگردد، کشف گردید." نظام شورائی محصول تجربه کمون پاریس است. ترکیب کمون عمدتاً از اعضای انترناسیونال و پرودونیسست ها و بلانکیست ها بود اما اقدامات کمون از این چهارچوبها بسیار فراتر رفت و پرولتاریا با اتکاء به غریزه طبقاتی خود، رشته های اتصالیه به پرودونیسیم و بلانکیسم را پاره کرد و به مسائل دوره خویش جواب داد. بقول انگلس، "کمون گور هر چیز کهنه و بطور اخص سوسیالیسم فرانسوی بود، هم زمان گهواره انترناسیونالیسم کمونیستی بود که در فرانسه جدید بود." اولین درس کمون اینست که طبقه کارگر نمیتواند ماشین حاضر و آماده دولت بورژوائی را بکار بگیرد بلکه باید آنرا درهم بکوبد و ارگانهای نظم نوین کارگری را جایگزین کند. کموناردها بدلیل شرافت بیش از حدشان و بخشاً بدلیل بقایای توهومات پرودونیسستی به بانک فرانسه دست زدند و مهمترین قدرت بورژوازی را دست نخورده باقی گذاشتند. کمون نشان داد فقدان یک حزب سیاسی کمونیستی در اوج فداکاری طبقه کارگر فاجعه بار است و هر پیروزی را معکوس میکند.

گرامیداشت کمون پاریس برای طبقه کارگر جهان و کمونیسم کارگری در ایران، نه تجلیلی عرفانی از یک تجربه مبارزه کارگری بلکه اقدامات و درسهایی است که برای مبارزه طبقاتی امروز دارد. امروز در جنبش کارگری جهانی نه پرودونیسیم و نه بلانکیسم وجود خارجی ندارد، کارگران از این توهومات در همان دو ماه سرخ پاریس عبور کردند. اما دولت نوع کمون، شورا در مقابل پارلمان، تسلیح عمومی و میلیس توده ای در مقابل ارتش حرفه ای و مافوق مردم، اقدامات فوری برای رفع تبعیض و برابری، کوتاه کردن دست دستگاه دین و خرافات، تقابل با عظمت طلبی و ناسیونالیسم با هویت انترناسیونالیستی، برافراشتن پرچم جمهوری جهانی در مقابل رقابت و قدرت بورژوازی در هر کشور، عدم تکرار کمبودهای انقلابات کارگری و آماده شدن برای مبارزه ای بدون توهیم با کلیت نظام بورژوائی، اینها مسائل اساسی هستند که در دنیای قرن بیست و یکم بسیار حیاتی و در مقابل نظم کهنه بورژوائی بسیار تازه و بدیع هستند.

در این مناسبت حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همراه با کارگران جهان سالروز کمون پاریس و مقاومت و قهرمانی کموناردها را گرامی میدارد و همراه با آنان با صدای رعد آسا "زنده باد کمون" میگوید. کمونیسم تنها راه نجات بشریت امروز است.

**زنده باد یکصد و پنجاهمین سالروز کمون پاریس!**

**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

۴ مارس ۲۰۲۱ - ۱۴ اسفند ۱۳۹۹

## گزارش بخشی از تجمعات و سمینارهای

### تشکیلات خارج کشور بمناسبت روز

#### جهانی زن

در خارج کشور تشکیلاتهای حزب حکمتیست با سازمانها و احزاب و نهادهای دیگر با شحار ن به آپارتاید جنسی! به استقبال روز جهانی زن رفته که گزارش خلاصه ای این تجمعات و سمینارها را پیوست ملاحظه می کنید.

#### استکهلم

برگزاری سمینار شورای همبستگی نیروهای چپ و کمونیست در استکهلم.

شب دوم مارس. بمناسبت روز جهانی زن سمیناری از جانب شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در استکهلم برگزار شد. سمینار ساعت ۵ بعد از ظهر شروع شد و ۱۰ شب پایان یافت. در این سمینار ۵ تن از فعالین سیاسی زن از ایران و افغانستان بصورت حضوری و آنلاین سخنرانی کردند. شمسی خرمی از طرف حزب کمونیست ایران، سوسن هجرت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، مهرآفاق مقیمی سازمان راه کارگر، طاهره شمس فعال زنان افغانستان و کوبک محمدی فعال حقوق زنان. سخنران در مورد تاریخچه روز زن، جنبش زنان و نقش زنان در مبارزه برای آزادی و برابری در ایران و افغانستان تحت حاکمیت رژیمهای وحشی آپارتاید جنسی طالبان و جمهوری اسلامی، پرداختند. بعد از سخنرانی سخنرانان شرکت کنندگان هم در تایید و یا ملاحظات خود در مورد مباحث سخنرانان و روز جهانی زن اظهار نظر کردند.

#### گوتنبرگ

در گوتنبرگ رفقای تشکیلات حزب درگوتنبرگ با انتشار اطلاعیه فراخوان به پیوستن به راهپیمایی که به دعوت کمیته ۸ مارس برگزار میشود کردند. در راهپیمایی با تم جنگ را متوقف کنید روز ۸ مارس با تجمع در میدان مرکزی شهر گوتنبرگ گوستاو آدلف شروع شد. جمعیت با سر دادن شعار بطرف یوتا پلاتسن حرکت کردند.

#### اسلو

در اسلو نیز رفقای حزب با پرچمهای و بنرهای ویژه روز جهانی زن در راهپیمایی روز زن شرکت کردند.

#### لندن

گزارشی از برگزاری هشت مارس لندن،

بنا به دعوت "کمیته همبستگی با کارگران و زنان ایران" و همچنین تشکل "همبستگی با مبارزات مردن ایران - لندن" روز جمعه ۸ مارس تجمعی در مقابل سفارت رژیم اسلامی در لندن برگزار شد.



زنان در پیامی گفت که حق سقط جنین را وارد قانون رسمی این کشور خواهد کرد. ناگفته نماند که این زنان و مبارزانشان بودند که طی سالها برای این خواست مبارزه کرده اند و او را مجبور به قبول آن نمودند. در قاره امریکا از کانادا تا شیلی تظاهراتی زنان در دفاع از حقوق شان، در اعتراض به وخیم شدن هر چه بیشتر وضعیت زنان، بیکاری، مرگ و میر، تجاوز و

بی احترامی، قتل و زن سوزانی به اعتراض برخاستند. در مکزیک در تمام شهرهای بزرگ تظاهراتی وسیعی با حضور زنان برپا شد. بیش از ۳۰ هزار معترض بعد از ظهر جمعه در خیابانهای مکزیکو سیتی رژه رفتند و فریاد میزدند: "من میخوام زندگی کنم، نه فقط زنده بمانم" و "خشونت زخم بجای میگذازد و جهل هم زنکشی". در ترکیه چند دانشگاه در استانبول و شهرهای بزرگ از طریق نیروی ارتش از قبل محاصره شده بود تا مبدا دانشجویان و اعتراضاتشان به خیابانها راه یابد. تعدادی از دانشجویان را در حین اعتراض به حضور نیروهای نظامی در دانشگاهها دستگیر کردند. در فلیپین زنان در جلو عمارت دولت وقتی که داشتند علیه سیاستهای دولت شعار میدادند مورد حمله گادرهای ویژه ارتش قرار گرفتند. در پاکستان تعداد کثیری از مردان و احزاب اپوزیسیون در شهرهای بزرگ به تظاهرات زنان پیوستند. بیشتر شعارها حول مبارزه با قتلهای ناموسی، خشونت عربان و تجاوز به زنان بوده است. در استرالیا، چین، شوروی و تا دور دستها گزارشات مفصل آن به یمن میدیای مردمی در حال پخش شدن است. در ایران علیرغم سرکوب شدید رژیم و حکومت نظامی اعلام نشده هر گونه اعتراض و صدای آزادیخواهانه ای را درجا خفه می کردند اما پیامهای سرشار از شور مبارزاتی، چه جمعی و چه تکی از جانب زنان و فعالین آنها، از جانب زندانیان سیاسی بویژه زنان زندانی به گوش همه جهان رسید. در بلندیهای کوهها و تپه ها در تهران و کردستان زنان با برداشتن حجاب ها و داشتن پلاکاردها از خود فیلم گرفته و منتشر میکردند. در بخشهایی از شهرها زنان همچنان بدون حجاب به رقص و شادی پرداخته و در قطار و اتوبوسها به زنان گل هدیه میدادند. در افغانستان هر تجمع زنان مورد اذیت و آزار طالبانهای مسلح قرار میگرفت و آنها را متفرق و دستگیر میکردند. جامعه ایرانیان مقیم خارج و همچنین جامعه افغانستانیها در اروپا، از جمله لندن، سوئد، نروژ، آلمان، کانادا در پشتیبانی از مبارزات هر دو کشور و با خواست سرنگونی علیه جمهوری اسلامی و طالبان تظاهرات و کنفرانسهایی در شهرهای بزرگ برپا انداختند.

سازمان ملل هم در آستانه هشت مارس جنایات رژیم جمهوری اسلامی علیه زنان را "جنایت بشری" نامید (حداقل در سطح خبر و گرنه حرکت قانونی و سندی آنها هنوز تصویب نکرده اند). چه دیر و چه دو پهلوی و ناکافی! بعد از یک سال و نیم از واقعه قتل عمد مهسا، زینا امینی و خیزش انقلابی ایران که جمهوری اسلامی بیش از هفتصد نفر را در خیابانها و بیمارستها و محلات کشت و دهها نفر را اعدام کرد، هنگامی که جمهوری اسلامی بعد از دهه شصت دوباره به ردیف ارشد اعدام و

## نگاهی به رویدادهای روز جهانی زن در سال

۱۴۰۲

هاله طاهری

بزرگداشت روز جهانی زن یک پیشینه صدوسیزده ساله پشت سر دارد که کلارا زتکین و دوستان سوسیالیستش از جمله لئویس زبیتز نماینده حزب سوسیالیست آمریکا در سال ۱۹۱۰ در کپنهاک دانمارک کنفرانس بین المللی زنان تصویب کردند. قتل و عام کارگران زن در یک کارخانه نخ ریزی شهر شیکاگو - امریکا در سال ۱۸۵۷ که برای شرایط غیر انسانی محیط کار، پایین بودن دستمزدها تظاهراتی بر پا کرده بودند به دست پلیس بطور وحشیانه ای سرکوب و چندین کشته و زخمی به جا گذاشت. از آن سال به بعد هشت مارس روز اعتراض به بی عدالتی علیه زنان و مبارزه برای خواستههای آنها وسیعاً مورد پشتیبانی سوسیالیستها و آزادیخواهان قرار گرفت. تنها در سال ۱۹۷۷ بود که سازمان ملل تحت فشار مبارزات زنان مجبور به به رسمیت شناسی روز جهانی زن گردید و تنها در بیست کشور تعطیلی رسمی اعلام شده است.

در عصر حاضر که هوش مصنوعی و سفر به فضا، انبوه تنوع کالاها و تفریحات و سرگرمی و نوآوری پیشرفت فزاینده ای دارد در بخش وسیعی از جهان ما شاهد رشد بی رویه مرگ و میر زنان و کودکان، قتلهای ناموسی و زن کشی، ختنه دختران، ازدواج کودکان، ازدواجهای اجباری، خشونت عربان علیه زنان، عدم بهداشت و درمان و بیکاری وسیع زنان و فقر مطلق هستیم. اینرا سازمان بهداشت جهانی به عنوان هشدار در آستانه روز زن اعلام کرده است. در چنین شرایطیست که ما به استقبال روز زن میرفتیم. گوشه هایی از جهان روز زن را پر شور و گوشه هایی دیگر زیر فشار و اذیت و آزار برپا کردند. در ایران، افغانستان و کشورهای اسلام زده قدرتهای میلیتانت و وحشی حاکم هر گونه صدای حق طلبانه ای را خفه میکردند. در اروپا به یمن تاریخ ۱۵۰ ساله از مبارزات سوسیالیستی و دستاوردهای طبقه کارگر تظاهرات های چشمگیری را شاهد شدیم. در ایتالیا اتحادیه های کارگری در کنار تشکلهای زنان بویژه تشکل وکلای انقلابی در دفاع از حقوق زنان و پیگیری تجاوز و زن کشی های رو به رشد این جامعه تظاهراتها و اعتصاب یک روزه ای را سازمان دادند. در میلان و روم نزدیک به صد هزار نفر در این تظاهرات شرکت کردند. شنبه ۹ مارس در روم در اعتراض به زن کشی های وسیع تقریباً نیمه تعطیل بود. بسیاری از اماکن کار، ترانسپورت و مدارس و بیمارستانها یا در اعتصاب بودند و یا در تظاهرات. پایان دادن به تجاوز و زن کشی، افزایش دستمزدها از جمله شعارهای پیشرو این حرکات اعتراضی بودند.

در اسپانیا زنان و مردان بیش از صد هزار نفر در دو شهر بارسلونا و مادرید علیه سیاستهای فریبکارانه دولت برای بهبود وضع زنان، دستمزدهای پایین و بیکاری، علیه سیاست غیر انسانی دولت اسپانیا در قبال پناهندگان و مهاجران و همچنین در دفاع از مردم فلسطین و محکوم کردن دولت نتانیاهو برای نسل کشی مردم غزه به خیابانها آمدند. در فرانسه زنان در اعتراض به زن کشی و بی حقوقی و بیکاری هزاران نفر در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه راهپیمایی کردند. دولت ماکرون در آستانه هشت مارس برای نشان دادن چهره مصالمت آمیز خود با مسئله بی حقوقی

## نگاهی به رویدادهای روز ...

شکجه در زندانها رسید، وقتی که در اوج مبارزات مردم در خارج کشور برای افشای جمهوری اسلامی دهها تظاهرات براه انداخته شد آنها رئیسی را مسئول کمسیون حقوق بشر اعلام کردند و فرش قرمز مقامات امریکایی و سازمان ملل برای جلادان جمهوری اسلامی پهن شد.

دستاوردهای هر ساله و تلاش میلیونی جنبشها و احزاب چپ و کمونست، تشکلهای کارگری به پشتیبانی از مبارزات زنان با تمام خوشبینی که داشته باشیم متاسفانه از کمبودهای زیادی رنج میبرد. هجوم فاشیسم و راسیسم و تجاوز و قلع و قمع آخرین دستاوردهای بشری آنچنان رو به رشد و از همه جاست که تقابل مبارزاتی عصر ما و جنبشهای انقلابی آن بسختی میتوانند تهاجم افسار گسیخته آنها را جواب قاطع بدهند. عدم آمادگی برای انقلاب و در هم شکستن ماشین جنگی آنها، بی سازماندهی و عدم اتحاد جنبشهای ذینفع در انقلاب از جمله کمبودهای این دوره هستند. جنبش زنان در بخشهای زیادی از جهان همچنان زیر چتر فمینیسم بورژوازی و لیبرالیسم به انزوا رانده شده است. سازمانها و اتحادیه های کارگری هم سالهاست که اسیر رفرمیسم و در مسیر غیر واقعی خود سرگردانند. سیستم سرمایه داری با تمام مهارت یکصد ساله خود راههای مقابله و جلوگیری رشد این جنبشهای انقلابی را بخوبی پیدا کرده است. امروز بیش از هر زمانی احتیاج به اتحاد زنان و مردان است. بیش از هر زمان ما نیاز به سازماندهی و برنامه ریزی مشترک برای رسیدن به اهداف و خواستههایمان در کنار دیگر جنبشها داریم. بیش از هر زمان ما نیازمند یک رهبری سوسیالیستی هستیم که قامت این جهان وارونه و بشدت بیمار در سیستم سرمایه داری را بر جای درست بنشانند. آلترناتیو سوسیالیستی برای ایجاد یک دنیای بهتری برای زنان و مردان امروز بیش از هر زمانی حیاتی و میتواند به واقعیت نزدیک باشد. انسانها، زنان، کودکان، و حتی طبیعت در این سیستم وحشی سرمایه داری همه با هم رو به نابودی اند. آیا وقت آن فرا نرسیده که جلو انهدام کامل را گرفت؟ جنبش زنان برای رسیدن به خواستههایش باید جنبش کارگری، این متحد حقیقی خود را برگزیند چرا که نیمی از جامعه کارگران همسران و دخترانی هستند که در جنبش زنان همیشه سهمی مهم در مبارزات و در دستاوردها دارند. چرا که آنچه جنبش کارگری و سوسیالیستی برای آن میجنگند میتواند همه اقشار زنان در جامعه را به رهایی و برابری کامل برساند. این اتحاد و همسرنوشتی را باید در همین هشت مارسها، در رژه های مشترک مبارزه با فقر، بیکاری، بی امنیتی اقتصادی و جانی و اجتماعی، و برای رسیدن به آزادی و برابری پیگیری کرد. گرایش سوسیالیستی در جنبش زنان سهم عظیمی در کار میان زنان و سازمانهای آنها دارد.

نکته بسیار مهم دیگری که در تظاهراتها و اعتراضات روز زن کم رنگ بود دفاع از مردم فلسطین و مبارزه با نسل کشی آنها و خواهان آتش بس فوری و کمک به مردم غزه بود. آیا ۲۰۰۰ کودک و زن که طی چند ماه خانه

هایشان را بر سرشان خراب کردند و کشتند پاره ای از تن ما زنان نبودند که روز هشت مارس فریادرس آنها باشیم؟ بجز اسپانیا و تظاهرات سوسیالیستها در خارج کشور که به دفاع از مبارزان زنان در ایران صورت گرفت تقریباً هیچ کجا ما ندیدم که در کنار غرش "نه به خشونت" فریاد "نه به نسل کشی در غزه" را بشنویم. آیا آپارتاید جنسی و آپارتاید نژادی هر دو علیه بشریت، علیه زنان نیست؟ زنان معترض و جنبششان، هر کجا که باشند میبایست در چنین فرصت تاریخی به نام آنها مدافعین پیگیر و سر سخت و صدای زنان در فلسطین باشد چرا که اگر امروز آنها را سلاخی میکنند فردا نوبت ما خواهد بود. اگر جلو نسل کشی و جنایات امروز را در غزه نگیریم فرداها "یکی یکی کشته می شویم!"

\*\*\*

## گزارش بخشی ...

در این تجمع جان مک دونل عضو پارلمان بریتانیا از جناح چپ حزب کارگر و همچنین یکی از نمایندگان اتحادیه PCS اتحادیه خدمات عمومی در رابطه با ماهیت زن ستیزانه و جنایتکارانه آپارتاید جنسی رژیم اسلامی سخن گفتند و بر مبارزه زنان و مردم ایران علی رژیم اسلامی و

آزادی مردم ایران بدست خودشان تاکید کردند، جان مک دونل تاکید کرد که دولت بریتانیا باید سفارت رژیم اسلامی را در پایتخت این کشور تعطیل کند. او تاکید کرد در جریان اعتراضات بالغ بر ۵۰۰ معترض که در میانشان ۶۸ کودک بودند بقتل رسانده شدند و بیش از ۲۰ هزار انسان را زندانی کردند. محل تجمع با پوستره های بزرگ جانباختگان زن توسط جنایتکاران اسلامی حاکم و همچنین برهائی همچون "نه به آپارتاید جنسی در ایران و افغانستان". معیار آزادی هر جامع. معیار آزادی زن در آن جامع است،" مزین شده بود.

## کلن آلمان

گزارشی از اقدامات در شهر کلن آلمان:

شنبه ۹ مارس ۲۰۲۳ به فراخوان مشترک واحد کلن حزب کمونست ایران، حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونست کردستان و شورای حمایت از مبارزات مردم در ایران - کلن مراسم بزرگداشت ۸ مارس، روز جهانی زن برگزار شد.

در این مراسم همایون گدازگر و امیر عسگری از حزب کمونست کارگری - حکمتیست. روژین امینی از حزب کمونست ایران و مینا زرین از جانب شورای حمایت از مبارزات مردن ایران - کلن سخنران بوده و ژیلان نگهدار گرداننده مراسم را برعهده داشت. در ادامه سخنرانی ها حضار نیز راجع به اهمیت و جایگاه ۸ مارس به مشکلات پیش روی زنان در جنبش آزادی زن پرداختند.

\*\*\*

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



## اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

تجمع و اعتراض زدند. پرستاران و کادر درمان بیمارستانهای شیراز خواستار اصلاح تعرفه‌های پرستاری، افزایش کارانه و دستمزد و همچنین حذف اضافه‌کاری اجباری هستند.

**تجمع اعتراضی پرستاران و کادر درمان رفسنجان**  
پرستاران و کادر درمان رفسنجاندر اعتراض به اضافه کار اجباری، معوقات، مطالبات تعرفه گذاری، فوق العاده خاص و وعده های همیشگی محقق نشده در مقابل دانشگاه علوم پزشکی و سپس فرمانداری شهرستان رفسنجان تجمع اعتراضی برپا نمودند.

**اعتصاب پرسنل دفتر مرکزی تهران فروشگاه رفاه**  
روز چهارشنبه ۱۶ اسفند پرسنل دفتر مرکزی تهران فروشگاه رفاه به دلیل پرداخت نشدن حقوقشان دست به اعتصاب زدند. همچنین تصمیم گرفته شده که عیدی پرسنل در قالب بن به آنها پرداخت شود. این در حالی است که قفسه های فروشگاه رفاه خالیست و عملاً جنس چندانی برای فروش ندارند.

**اعتراض دانشجویان به انتصاب پاسدار معز خادم حسینی**  
مدت زمان زیادی از انتصاب سردار معز خادم حسینی به معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نمی‌گذرد که این موضوع با واکنش دانشجویان این دانشکده در قالب نصب پوسترهایی با عنوان "معاون پژوهشی بدون پژوهش" روبرو شده که به مقایسه سابقه پژوهشی معز خادم حسینی با معاونین پژوهشی دانشکده‌های دیگر دانشگاه تهران پرداخته‌است. نشانیدن فردی با لباس نظامی و روزمه ای بدون سابقه علمی بر صندلی معاونت پژوهشی پیامی روشن برای حال و آینده وضعیت سیستم آموزش ایران دارد.

**تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش**  
روزیکشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل اداره کار این شهرستان دست به تجمع زدند.

**تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان**  
روز یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۲ بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد این شهر دست به تجمع زدند.

**تجمع و راهپیمائی اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی**

**تجمع اعتراضی کارگران شرکت نفت اویکو مهران**  
کارگران شرکت نفت اویکو مهران در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، نفت کارت و تبدیل وضعیت تجمع اعتراضی برپا نمودند.

**تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری شرکت ملی حفاری**  
کارگران پیمانکاری شرکت ملی حفاری نسبت به عدم رسیدگی به مطالباتشان و عدم تبدیل وضعیت نیروهای پیمانکاری و حذف پیمانکاران تأمین نیرو دست به تجمع زدند.

**تجمع گسترده اعتراضی کارگران ارکان ثالث پارس جنوبی**  
کارگران پیمانکاری مجتمع‌های گاز پالایشگاه‌های ۶، ۷، ۱۰، ۱۲ پارس جنوبی، روز شنبه، ۱۹ اسفند ماه، به روال هفته‌های گذشته مقابل ساختمان اداری پالایشگاه‌های پارس جنوبی تجمع کردند. بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل، تغییر سیستم اقماری نیروهای اداری پشتیبانی به دو- دو یا همان ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و ساماندهی وضعیت رانندگان استیجاری از جمله مهم‌ترین مطالبات این کارگران است.

**تجمع کارگران اخراجی پروژه زمزم ۳ مجتمع فولاد خوزستان**  
گروهی از کارگران اخراجی پروژه زمزم ۳ مجتمع فولاد خوزستان، روز جمعه هجدهم اسفندماه، مقابل ورودی اصلی این شرکت تجمع کردند. بیش از ۱۰۰ نفر از کارگرانی که از سال ۱۳۹۸ تحت پوشش شرکتهای پیمانکاری در احداث این پروژه مشغول بکار بوده اند، اکنون و در آستانه افتتاح طرح از کار اخراج شده اند. طرح زمزم ۳ بزرگترین پروژه احیا مستقیم مگامادول تولید آهن اسفنجی در خاورمیانه است که قرار است افتتاح و آغاز بکار کند.

**اعتصاب کارگران ابنیه فنی آذربایجان شرقی**  
شماری از کارگران خطوط ابنیه فنی راه‌آهن ناحیه آذربایجان در چند روز گذشته به نشانه اعتراض به وضعیت حقوقی و شغلی خود، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. به گفته کارگران معترض، قراردادهای عمرانی آن‌ها به عملیاتی تغییر داده شده و برخی مفاد قرارداد تازه تنظیم شده، کاملاً به ضرر کارگران است و باید اصلاح شود. شماری از این کارگران، در محدوده ایستگاه تبریز تجمع کرده و به نمایندگی از سایرین به صورت حضوری به استانداری و فرمانداری آذربایجان شرقی مراجعه کرده‌اند که تاکنون پیگیری صورت نگرفته است.

**تجمع و اعتراض پرستاران بیمارستان های شیراز**  
پرستاران و کادر درمان معترض در کلیه بیمارستانهای شیراز دست به



## اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

یک زندانی سیاسی در زندان اوین خودکشی کرد  
مسئب رئیسی یگانه، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین، از طریق مصرف قرص دست به خودکشی زد. این زندانی روز پنجشنبه هفدهم اسفندماه، پس از این اقدام به بیمارستان لقمان منتقل شده است. یک منبع مطلع نزدیک به خانواده این زندانی سیاسی ضمن تایید این خبر به یکی از خبرگزاری های حقوق بشری گفت: مسیب شامگاه چهارشنبه از طریق خوردن قرصهای اعصاب اقدام به خودکشی کرده است. چند نفر از همبندی‌های او متوجه بی‌حالی اش شده و پس از اطلاع رسانی به مسئولان زندان، او به بیمارستان لقمان منتقل شد.

### تجمع سراسری بازنشستگان مخابرات کشور

روز دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۲ جمع‌هایی از بازنشستگان مخابرات در شهرستان‌های ارومیه، تهران، سنندج، اهواز، اراک، میوان، رشت، بندرعباس، اردبیل، خرم‌آباد، تبریز، اصفهان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته‌ی دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

### تجمع مشترک بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی در اهواز

روز سه‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۲، جمع‌هایی از بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و فرهنگیان بازنشسته اهواز مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری کرمانشاه

روز سه‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۲، جمعی از بازنشستگان کشوری و فرهنگیان بازنشسته کرمانشاه نیز مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

### اقدام به خودکشی یک راننده کشت و صنعت فارابی

۱۵ اسفندماه ۱۴۰۲ راننده شرکت کشت و صنعت حکیم فارابی اقدام به خودکشی کرد که توسط دوستانش نجات یافت. یکی از کارگران اقدام این راننده به خودکشی را اینگونه توضیح داد: این شخص در اعتراض به عدم پرداختن حقوقش دو روز در مقابل درب شرکت خوابیده بود و بعد از دو روز به دلیل گرسنگی جهت تهیه مواد غذایی وارد شرکت شده که با ضرب و شتم ماموران نیروی انتظامی و حراست شرکت فارابی مواجه می‌شود، او را با مشت و لگد و توهین ناموسی از شرکت بیرونش کردند و به دلیل فشاری که به او وارد شده و به نشانه اعتراض، خود را مقابل درب شرکت حلق آویز کرد اما دیگر معترضین او را نجات دادند. شرکت کشت و صنعت حکیم فارابی یکی از شرکت‌های وابسته به هلدینگ توسعه نیشکر و صنایع جانبی است که در ۳۵ کیلومتری جاده شهر اهواز به شهر عبادان و در شرق رودخانه کارون واقع شده است.

### محکومیت مجدد عزیز قاسم زاده

عزیز قاسم زاده هنرمند و معلم اخراجی دربند در زندان لاکان رشت مجدداً توسط شعبه ۳ دادگاه انقلاب رشت به ۲ سال و ۱ روز حبس محکوم شد.

### تمدید قرار بازداشت شریفه محمدی و نیاز فوری او به جراحی

شریفه محمدی، فعال کارگری محبوس در زندان لاکان رشت، بعد از سه ماه و چهار روز از بازداشت، توانست با همسر و فرزندش ملاقات حضوری داشته باشد. سیروس فتحی، همسر وی با اعلام این خبر گفت: شریفه از ناحیه انگشت پا، دچار عفونت شدید شده است و نیاز به جراحی فوری دارد. بعد از گذشت ۹۴ روز، قرار بازداشت شریفه محمدی، مجدداً تمدید شده است و رجبی بازپرس شعبه ۴ دادگاه انقلاب رشت، همچنان با تودیع قرار وثیقه وی مخالفت کرده است. با نزدیک شدن به تعطیلات نوروز، این تمدید قرار بازداشت، موجب نگرانی خانواده و دوستان وی شده است. شریفه محمدی در دوران بازجویی در سنندج مورد ضرب و شتم بازجوها قرار گرفته است و اکنون نیز با وجود بیماری و نیاز به جراحی و رسیدگی پزشکی، همچنان در بند عمومی زندان لاکان رشت بلا تکلیف و بازداشت است. وی در تاریخ ۱۴ آذر در منزل خود در شهر رشت بازداشت شد.

\*\*\*

### راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

**صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲**  
**پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲**  
**رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹**  
**ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷**

[www.hekmatist.org](http://www.hekmatist.org)

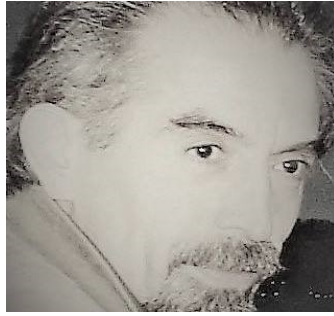
Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

## ستون آخر،

## فحش "سلیطه" را تقدیس نکنید!

سیاوش دانشور



بدنبال اطلاق لفظ زشت "سلیطه" به خانم معترضی که بحق و مثل یک آزاده سر آخوند پررو فریاد میزد، عده ای میگویند "من هم سلیطه ام"! عبارت "من هم ... به عنوان همبستگی و همراهی در هر موردی مصداق ندارد.

سلیطه یک فحش مردانه و مردسالار برای زنان است. زن در اسلام باید سربزیر و ساکت و گوش به فرمان باشد، استقلال و فردیت زن و نه گفتن و تن ندادن به حرف زور و مناسبات نابرابر، بزعم این فرهنگ "زبان درازی و پا را از گلیم درازتر کردن" است که همه اینها را در لفظ "سلیطه" خلاصه کردند.

همواره براین نظر بودم که هرچه زبان بچه ها بویژه دختران "درازتر" و هرچه تعرضی تر باشند، ایمن ترند چون محیط شان ناایمن است. اما لفظ "سلیطه" مثل چماقی است که برسر زن وارد میشود تا دیگر نافرمان نباشد. حالا وارونه کردن این لفظ زشت و عادیسازی توهین به زن آنها با منشأ فرهنگ اسلامی، با عنوان "من هم سلیطه ام"، فقط نهایت بی سلیقگی نیست بلکه این خطر را دارد که هر توهین مردسالارانه و ضد زن را بشوید و اینبار تحت عنوان "همراهی" عادی

سازی کند. ما "جنبش سلیطه ها" نیستیم، ما جنبشی برای نفی ارکان نظام و مناسباتی هستیم که به هزار و یک طریق ضد زن است. ما برای احیای حرمت و حقوق زن بمتابه انسان برابر تلاش میکنیم. ما علیه کل فرهنگ لجن اسلامی و ضد زن و مردسالار هستیم.

و بالاخره آیا "سلیطه" تر از آخوند میشناسید؟ جواب این نیست که "من هم سلیطه ام"، جواب اینست که آخوند غلط میکند به زن توهین کند و راست راست راه برود. هر جا آخوند دیدید عمامه اش را بپرانید، کتکش بزینید، به غلط کردم بیاندازید، بگوئید هفتاد پشت ات سلیطه است!

#همیز "توئی" هرزه "توئی" زن "آزاده" منم  
#نه "به" حجاب "اسلامی"

۲۲ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۲ مارس ۲۰۲۴

آدرسهای تماس با حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر اجرایی

همایون گدازرگ

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

[saeed\\_arman2002@yahoo.co.uk](mailto:saeed_arman2002@yahoo.co.uk)

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان <https://alternative-shorai.tv/> معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، ملکه عزتی، پروین کابلی، همایون گدازرگ، ناصر مرادی

**اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:**

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

بنفشه کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatisht

Hekmatist.org

@hekmatisht1917

@hekmatisht pary

partow TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات  
اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!